

را صلاح‌فندانستم قاضی مذکور اینقدر ترس از شاه ندارد که از شخص محکوم شده دارد چونکه شاه به آن شخص اجازه مراجعت از حبس و کلات را داده است. من امیدوارم که موفقیت حاصل نموده مردم را از خیال آمدن به قلعه منصرف نمایم. ولی اتصالاً از من سؤال شده و می‌شود که چه اقداماتی برای حمایت اشخاصی که موقتاً در ده توقف دارند بعمل خواهد آمد و ممکن است که چند نفر دیگر هم وارد بشوند.

ملفوف نمره ۱۳۱۳

ملخص از خلاصه وقایع ماهیانه

رشت

در روز ۱۹ ژون [۲۹ خرداد ۱۲۸۷؛ ۱۹ ج ۱ ۱۳۲۶] عساکر بر ناطقی که در اجلاسی نطق می‌نمود تیرخالی نمودند. مردم از اینها خلع اسلحه نموده بطور بد با آنها رفتار کرده در حبسشان انداختند. روز بعد بازارها بسته شد. همینکه از طهران خبر رسید که شاه سه نفر از مشروطه‌خواهان عمده را محبوس نموده انجمنها حاکم و کارگذار و مدیر تلگراف را مجبور نمودند که مهرهای رسمی خود را به ایشان بدهند. روز ۲۶ ژون [۵ تیر؛ ۲۶ ج ۱] خبر کودتای شاه رسید و مستحفظین در جلومعابر خانه حاکم قرار داده شد. سه‌عزاده توپ هم در چند محل سوار کردند. روز ۲۷ حاکم امر داد مردم بازارها را باز نمایند ولی کسی اطاعت حکم او را ننمود. سپس چند نفر سرباز را فرستادند که مردم را به قبول آن مجبور گردانند. در این بین جنگ واقع شد. سه نفر مقتول و چهارده نفر مجروح گردیدند. روز ۲۹ بازارها باز شده آرامی و سکون اعاده گردید.

بارفروش

به مجرد وصول اخبار حوادث طهران شهر مغشوش شد. مردم با شاه اظهار مخالفت نموده و از یکی از تجاران انگلیسی سؤال نمودند که آیا در صورتی که شاه بخواهد آنها را دستگیر نماید به آنها پناه خواهد داد یا نه. او در جواب گفت که به آنها پناه نخواهد داد. پس یکی از اعضای انجمن محلی بمجرد وصول اخبار قتل پدر خود از طرف شاه مرتکب انتحار شد. در موقع مراسم تشییع جنازه او دسته بزرگی با شاه ابراز مخالفت نمودند.

مشهد

مظفریت شاه از قرار معلوم مورد قبول عموم شده مردم در مساجد مشغول دعا و شکرگزاری برای آن هستند.

(۱) نامه یا تلگرام نمره ۲۱۳ در متن اصل چاپ نشده و تنها به ملفوف آن اشارت رفته است. م.

اصفهان

در ۱۵ ژون [۲۵ خرداد ۱۲۸۷؛ ۱۵ ج ۱ - ۱۳۲۶] از اصفهان به تمام نقاط ایران تلگرافات نموده خلع شاه و تعیین ظل السلطان را به مقام نیابت سلطنت اصرار نمودند. گویا این تلگرافات را در جواب تلگرافات رشت و تبریز و شیراز و همدان که استدعای همراهی نموده بودند مخابره کردند. در تمام شهرها برای تشکیل قشون اعزامی به سمت طهران برای خلع شاه اقدام شد. اهالی بازارها و ادارات را بسته و هرروز مجالس برای مذاکره در خصوص اوضاع منعقد می گردید. در بیستم ژون گفتگو بود که مشروطیین هر شهری در قنصلخانه انگلیس متحصن شوند و هیئت اعضای انجمن ملی بنا بود در سفارت انگلیس تحصن اختیار نمایند. شاه تلگرافی فرستاده مشعر بر اینکه به قوه شمشیر تاج و تخت خود را حفظ خواهد نمود. از اصفهان در جواب تلگراف اهالی جواب رسیده شاه را کافر خطاب نمودند. در ۲۳ ژون [۲ تیر؛ ۲۳ ج ۱] اخبار حوادث آن روز طهران واصل گردید. شاه تلگراف نموده حاکم را اطلاع داد که مجبور گردیده بر علیه بعضی اشخاصی که باعث اختلال و اغتشاش بوده اند اعمال قوه نماید و بدان واسطه شهر را در تحت قانون نظامی قرار داده است و هرگاه برای استقرار نظم اصفهان قشون لازم باشد فرستاده شود. از ۲۴ الی ۲۶ ژون [۳-۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۶-۲۴ ج ۱-۱۳۲۶] اجلاس متعدده برای مذاکره اوضاع منعقد گردید و نتیجه گرفته نشد مگر يك تلگرافی که به مجتهدین کربلا مخابره نموده از آنها طلب تقویت نمودند. شهر از آنوقت تاکنون آرام است. در ۳ ژوئیت [۱۲ تیر؛ ۴ ج ۲] علاءالملک حاکم آنجا به طهران طلب شد و روز ۷ از اصفهان حرکت نمود و اقبال الدوله به جای او منصوب گردیده است.

یزد

روز ۱۰ ژوئیت [۱۹ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۱ ج ۲ - ۱۳۲۶] خبر رسید که سرکردگان هیجان اخیر اینجا را دستگیر نموده اند.

شیراز

ظل السلطان فرمانفرمای فارس روز ۶ ژوئیت [۱۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۷ ج ۲-۱۳۲۶] از راه سرحد بطرف اصفهان رهسپار گردید. علت حرکت او بواسطه تعیین آصف الدوله بود. در عرض مدت قلیل حکومت خود؛ ظل السلطان بی اندازه در اعاده نظم و استرداد اموال مسروقه از تجارتخانه ها و تبعه خارجه ابراز کفایت نمود.

در اوایل ژون معتمد دیوان را که یکی از اعدای عمده طایفه قوامیان بود مستخلص نموده او را به منشیگری اکبر میرزا پسر خود که ریاست قبایل اعراب به او سپرده شده بود برقرار داشت. اصغر خان یکی از رؤسای اعراب از آمدن به شیراز امتناع ورزیده معتمد دیوان با ششصد نفر پیاده نظام و دو بیست سوار و دو عراده توپ نزد او فرستاده شد که در سیدان با او مذاکره نماید. در حین ورود اصغر خان بطریق دوستانه با او سلام و تعارف نموده او را به يك طرف برده رولور خود را بیرون آورده او را مقتول نمود. همراهان

او سپس برادر کوچکتر معتمد دیوان را مقتول نمودند و هیچکس بهیچوجه به هریک از آنها کمک ننمود. این حادثه محتمل است تأثیر بدی در امنیت فارس بنماید. از زمان وصول اخبار مظفریت شاه در طهران شیراز به حال آرامی باقی است.

خلیج فارس

بوشهر

اخبار کودتای شاه بدون حدوث اغتشاش واصل گردید و انجمن محلی و سایر انجمنها بطور آرام بر حسب امر حاکم منحل گردیدند.

(امضا) مازور استوکس آتاشه میلیر

نمره - ۲۱۴

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواریگری (واصله ۱۴ اوت)

قلهك ، ۱۵ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۴ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۶]

آقا

افتخار دارم جوفاً سواد یاد داشت مازور استوکس را که در آن شرح وضعی که سفارت اعلیحضرتی از غروب ۲۳ ژون الی ۳۰ [۹ - ۲ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۲۳ ج ۱ تا ج ۲ - ۱۳۲۶] در تحت نظارت عساکر قرار داده شده بود، مفصلاً نگاشته ایفاد دارم:

شرحی که مازور استوکس نگاشته حاوی آن چیزهایی است که شخص او عیناً مشاهده نموده ولی در حقیقت در دوروز که ۲۸ و ۲۹ باشد بیش از آنچه او آگاهی داشته عساکر بطور سخت آنجا را در تحت نظارت داشته‌اند چرا که در این دو روز در چهار محل (ونه دو محل) که از همدیگر ۲۵۰ الی ۳۰۰ ذرع فاصله داشته قراول در اطراف حیاط سفارت قرار داده شد و ترتیب سیر اینها دور سفارت اینطور مقرر شده بود که هر دسته در یک دور زدن از یکی از جاده‌هایی که اطراف حیاط سفارت است عبور می‌نمودند. گمان می‌کنم این یادداشت بخوبی ظاهر می‌نماید که از غروب ۲۴ تا یک وقتی در شب ۲۵ عساکر بطور دقت مواظب سفارت بودند و روز ۲۶ در مواظبت آنها بسیار تخفیف پیدا شده ولی روز بعد ژاندارمها آمده بطور دقت مواظبت داشتند. روز ۲۸ در چهار محل چاتمه قرار داده شد بطریقی که در مواقع مکرره دور سفارت سیر می‌نمودند. روز ۲۹ عساکر چندان سیری دور آنجا ننموده و روز بعد دیگر دیده نمی‌شدند ولی چند نفر پلیس هنوز این طرف و آن طرف می‌رفتند.

در عرض سه روز بعد چیزی که چندان قابل شکایت باشد به ظهور نرسید ولی شبموم ژوئیت [۱۱ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۳ ج ۲ - ۱۳۲۶] در نقطه‌ای از راه طرف شمال سفارت در گشت و گذار بودند و جهت تجدید مستحفظین را اینطور مذکور داشتند که سفارت در تهیه است که عده کثیری بستی بپذیرد و این مسئله اغراق بود.

وزیر امور خارجه برحسب دستورالعمل شاه کوشش نموده است که به من بقبولاند که راپورت‌هایی که در باب این گزارشات از طهران برای من رسیده اغراق شده . در جواب می‌گویم که در هیچ نقطه شهر حتی در حدود مجلس و مسجد هم اینطور اقداماتی که در مورد سفارت شده بعمل نیامده و مردم بطریق عموم این مسئله را مطرح صحبت و گفتگوی خود نموده و سفارت مرکز جذب تماشاگران عجیب و غریب گردیده است .

شکی نیست که شاه جداً مایل بوده است که نگذارد دو مرتبه عده کثیری چنانچه در سال ۱۹۰۶ [۱۲۸۴-۵؛ ۱۳۲۳-۴] واقع شد در سفارت بست اختیار نمایند و شکی هم نیست که اخباراتی که به او رسانیده‌اند مشعر براینکه ما سعی داشته‌ایم که اهالی بازارها را ترغیب به پناه گرفتن نزد خود نماییم باعث تسریع توهمات او گردیده . آنچه من فهمیده‌ام در اقدامات که ابتدا در ۲۴ بعمل آمد هیچ این مسئله تصور نشده بود که يك نوع بی‌احترامی سختی نسبت به سفارت خواهد بود.

ساده‌تر و سهل‌تر از همه این بود که بدون تعیین يك نفر سرباز در نزدیکی سفارت از هجوم پناهندگان بازاری جلوگیری شود یا به يك طریقی که مورد ایراد واقع نشود . من روز ۲۶ شهر گذشته این مسئله را خاطر نشان وزیر امور خارجه نمودم و او وعده داد که شاه را مایل به اتحاد و اقدامات بی‌ضررتر نماید ولی از قرار معلوم مساعی او فقط تا اندازه‌ای توانسته است ترقیبی بدهد که عساکر روز ۲۸ و ۲۹ طور دیگر در محلات خود قرار گرفته و دستجات سیر نمایند.

ملفوف نمره ۲۱۴

یادداشت مازور استوکس در باب مستحفظین دور سفارت اعلیحضرتی

در طهران از ۲۴ الی ۳۰ ژون ۱۹۰۸

[۹-۳ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۴ج۱ تا ۲ج۱-۱۳۲۶]

۲۴ ژون : قریب ساعت ۷ بعد از ظهر شانزده سوار نظام ایرانی در تحت امر يك نفر صاحب‌منصب آمده در جلو درب بزرگ سفارت به فاصله ده ذرع از آن جای گرفتند و در محلات متهمه به فاصله‌های سه ذرع تعیین شدند . اتفاقاً شانزده نفر از سربازان ایرانی که چند دقیقه قبل بواسطه غارتی که دیروز نموده بودند از سفارت خارجشان نموده بودیم نزدیک درب ایستاده عازم حرکت بودند . آن صاحب‌منصب ایرانی اینها را در تحت فرمان خود قرار داده و به فاصله دوسه ذرع از درب جا برای آنها معین نمود . مستر چرچیل و مستر اسمارت که می‌خواستند بطرف قلعهک رهسپار شوند با صاحب‌منصب مذکور در افتاده او در جواب اظهار داشت شاه حق دارد مفسدین را تنبیه نماید و پس از آن عساکر تحت فرمان خود را که هنوز به همان ترتیب باقی بودند به مسافت سی ذرع از درب سفارت دورتر برد . این دسته سرباز از جلو درب سفارت دورتر رفته ولی در شمال درب پهلوی دیوار سفارت صف کشیدند . همینکه مستر چرچیل به قلعهک رسید راپورت واقعات فوق را به مستر مارلینگ داد . کمی بعد از آن سربازان و ژاندارمها هم آمده در سه طرف دیگر سفارت قرار گرفته راه ورود به آنجا را مسدود نمودند و هیچکس

را نمی گذاشتند که بدون آزار از سفارت خارج شده یا بدان وارد شود. در وقتی که کالسکه مستر ها کینز وابسته بانک شاهنشاهی ایران که بطور موقت در خانه شارژ دافر در سفارت منزل گرفته بود بطرف درب می آمد عساکر آنرا توقیف نمودند. ایرانیانی را که بهیچوجه تقصیری نداشته و برای کار به سفارت می آمدند در خروج فوراً آنها را دستگیر کرده می بردند. واقعه ذیل دم درب سفارت روی داد: یکی از آشنایان غلامان ما - پسر یکی از تجار اسلامبول که غلامان ما در موقعی که مراسلات به آنجا می بردند در خانه او منزل می نمودند دم درب سفارت آمده با یکی از غلامان صحبت کرد و رفت. هنوز به اندازه ده ذرع نرفته بود که سرکرده پلیس این نقطه او را دستگیر نموده در کالسکه اش انداخت که بطور محبوس او را ببرد. در حین بردن سرکرده پلیس به او گفت می خواستید به سفارت انگلیس بروید، خوب رفتید. این شخص به قصد فرار از کالسکه بیرون جست. در این گیرودار سربازی که در حال عبور بود یکمرتبه به او گلوله انداخت و او را مجروح نمود. از این گلوله سرکرده پلیس هم مجروح گردیده دو روز بعد فوت نمود. پسر تاجر را بعد به حبس بردند ولی بعد از آن بنا بر تقاضای دولت اعلیحضرتی مستخلص گردید. سربازان مذکور نوکرهای سفارت را که بیرون می رفتند مزاحم شده و اگر غلامها برای استخلاص آنها می رفتند می گذاردند عبور کنند و با تفنگ سه نفر از نوکرهایی را که در قهوه خانه مقابل درب سفارت نشسته و چای می خوردند تهدید نموده و آنها بطرف سفارت فرار کردند.

۲۵ ژون [۴ تیر ؛ ۲۵ ج ۱] : در عرض تمام روز این اوضاع دوام داشت. در موقعی که مستر گای و مستر چرچیل ساعت يك بعد از ظهر برای ملاقات وزیر امور خارجه وارد شدند هشت نفر به مسافتی از درب سفارت دیده می شدند. چهار نفر آنها به فاصله دودرع از دیوار سفارت دم درب و سه نفر نزدیک قراولخانه مقابل بودند و دیگری که در جلو سفارت بطرف بالا می رفت در حین عبور به آنها بی ادبانه خیره خیره نگاه می کرد. بعلاوه يك دسته سرباز هم - قریب بیست نفر - به مسافت کمی از زاویه شرقی سفارت قرار گرفته بودند. طرف بعد از ظهر عباسقلی خان از قلعه وارد شد. چند نفر از سربازان فوراً بطرف کالسکه او هجوم آورده تفنگهای خود را بطرف او نشانه گرفتند و به همین طریق در موقعی که کالسکه حامل پسته وزارت خارجه توسط يك غلام و يك سوار - هر دو با لباس رسمی - برده می شد در نزدیکی درب بزرگ قزاقان به آن حمله نموده و تفنگهای خود را در کالسکه داخل نمودند. همینکه هوا تاریک شد اینها رفتند.

۲۶ ژون [۵ تیر ؛ ۲۶ ج ۱] : ساعت ده قبل از ظهر مستحفظی دور سفارت نبود ولی يك نفر در قراولخانه مقابل درب بزرگ قرار گرفته بود و هرکس که وارد و خارج سفارت می شد راپوت می داد. چون پس از تحقیق دریافتم که در هریک از قراولخانه های شهر يك نفر سرباز قرار داده اند نمی توانستم از حضور او در اینجا اعتراضی نمایم. ساعت هفت بعد از ظهر یکی از پلیسان جلو کالسکه ای را که بطرف سفارت می آمد گرفته ولی همینکه اقناع شد که سوار درشکه از پناهندگان نبود آن را اجازه

عبور داد .

۲۷ ژون [۶ تیر ؛ ۲۷ ج ۱] : صبح سر کرده پلیس این نقطه شهر ترد سربازی که در قراولخانه کشیک داشت آمده و شرح آنچه از واردین به سفارت و خارجین آن را دیده بود بدست آورد و مدت کمی پس از آن دونفر ژاندارم در زاویه شمال شرقی سفارت تعیین گردید. پس من دور سفارت گردش کرده جاهای دیگر که قراول گذارده بودند مشاهده نمودم . پنج نفر در زاویه جنوب غربی و چهار نفر در طرف شمال متوقف بودند. من با دودسته قراولان آخری صحبت نمودم. اینها لباس رسمی در بر نداشتند و اظهار داشتند منتظر درشکه هستیم که ما را به نیاوران ببرد و از قراری که مذکور داشتند شاه به آنجا می رفته. ساعت يك بعد از ظهر مستر چرچیل از قلهك وارد شد و پنج نفر ژاندارم را که به فاصله سه ذرع از درب بزرگ ایستاده بودند دید و به او اظهار داشتند ما اینجا مشغول قراولی هستیم . مستر چرچیل راه خود را گرفته رفت ولی در مراجعت چند دقیقه بعد از آن دو نفر آنها به قراولخانه رفته بودند و سایرین بطرف زاویه جنوب شرقی سفارت رفته بودند. او مجدداً با آنها صحبت نموده و گفت هر گاه نزدیک درب سفارت گشت و گذار نمایید شما را دستگیر خواهم نمود. چند دقیقه بعد آنها توسط یکی از غلامان پیغام فرستاده طلب بخشش نموده اظهار داشتند ما فقط مأموریم و چهل نفر هستیم و رئیس نظمیه ما را فرستاده است. سپس مستر چرچیل به ملاقات وزیر امور خارجه رفته پس او بعد از ظهر آمده و از ژاندارمها سؤال نمود کی آنها را دور سفارت گذارده. در ساعت هفت و ربع بعد از ظهر این مستحفظین هنوز در گشت و گذار بودند ولی مثل اوایل روز پدیدار نبودند.

۲۸ ژون [۷ تیر ؛ ۲۸ ج ۱] : در ساعت ۹ قبل از ظهر من دور سفارت گردش نموده مستحفظین ذیل را مشاهده نمودم:

(۱) يك دسته سیار در تحت يك نفر صاحب منصب ایرانی در زاویه جنوب شرقی؛
(۲) يك دسته سیار دیگری در زاویه شمال غربی ولی باندازه ۲۰۰ ذرع در پایین جاده.

این دستجات سیار قرار بود در اطراف سفارت حرکت نموده پس از آن قریب نیم ساعت برای مواظبت و مراقبت در یکی از زوایا توقف نموده این کار را تکرار کنند بطوریکه سه طرف سفارت که درب دارد اتصالاً در تحت مراقبت و مواظبت آنها باشد. یکی از صاحب منصبان ایرانی که با او صحبت نمودم به من اظهار داشت که امر دارد دور سفارت حرکت نموده کشیک بکشد.

در زوایای جنوب شرقی و جنوب غربی و شمال غربی هم دستجات ژاندارمهای سه نفری و پنج نفری قرار گرفته بودند. بعلاوه آن در دو محل بعضیها بالای درختها دیده می شدند و ظاهراً برای این رفته بودند که بفهمند از اشخاص عمده کی جزو پناهندگان می باشد.

۲۹ ژون [۸ تیر ؛ ۲۹ ج ۱] : اول صبح ۸ ژاندارم مسلح در جاده های دور سفارت دوبه دو گردش می کردند. قریب ساعت ده قبل از ظهر بر عده آنها افزوده شد و شش نفر در زاویه جنوب شرقی سفارت تعیین شدند . غروب پیاده ها آمده جای سواره ها

را گرفتند و دوبه‌دو در زوایا قرار گرفتند.

۳۰ ژون [۹ تیر؛ ۱ ج ۲]: چهار یا پنج ژاندارم دور سفارت بودند. سربازها ناپدید شدند ولی ژاندارمها هرکسی را که می‌دیدند به سفارت می‌آمد یا از آنجا خارج می‌شد به عساکری که در درب شمال سفارت عثمانی مشغول قراولی بودند راپورت می‌دادند. این محل تا زاویه جنوب شرقی سفارت انگلیس فقط چند ذرعی فاصله دارد ولی از آنجا نمایان نیست. یکی از غلامان که دیده بود یکی از ژاندارمها به تجاری که در سفارت مشغول کار بوده اشاره می‌کند هر دو اینها را مواظب بوده است. کمی بعد از آن ژاندارم مذکور نجار را نزد رئیس نظمیه که آنوقت در زاویه نزدیک سفارت عثمانی بود برد. از نجار مذکور در باب اسامی پناهندگان سفارت تحقیق شد ولی همینکه غلام در رسیدن سه نفر از هم متفرق شده و نجار نزد من آورده شد و گفت که رئیس نظمیه اسامی پناهندگان را از او پرسیده است. من اقدامات نمودم که از وقوع این قسم حوادث در آتیه جلوگیری شود.

(امضا) مازور استوکس

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۱۵

مکتوب مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۴ اوت)

قلهك ، ۱۷ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۶ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۸ ج ۲ - ۱۳۲۶]

آقا

چنانچه در تلگراف ۱۱ شهر جاری خود راپورت داده‌ام علاءالسلطنه وزیر امور خارجه از طرف دولت ایران و وزیر افخم وزیر دربار از طرف اعلیحضرت شاه روز شنبه ۱۱ شهر جاری برای جبران بی‌احترامی‌هایی که اخیراً نسبت به سفارت اعلیحضرتی واقع شده بطور رسمی ترضیه خواستند.

مراسم ترضیه بطور بسیار مختصر در اطاق پذیرایی سفارت طهران به عمل آمد. هیئت اجزاء سفارت اعلیحضرتی با لباس رسمی حضور داشتند. وزرا هم با البسه رسمی فاخره خود آمده يك يك مضمون ترضیه را قرائت نموده مستر چرچیل ترجمه می‌نمود. وزیر دربار سپس وثیقه شاه را برای حفظ جان و اموال شخص پناهندگان به من تسلیم نمود.

من در جواب اظهار داشتم که من شرح این اظهار تأسف دولت ایران را به اطلاع دولت متبوعه خود رسانیده و تا اندازه‌ای که به این قسمت تقاضاهای دولت اعلیحضرتی مربوط است این حادثه را ممکن است خاتمه یافته تصور نمود ولی ایشان را متنبه نمودم که هرگاه شاه بخواد از عهد خود در باب تأمین پناهندگان و اموال آنها تجاوز نماید این مقدمه دوباره از نو شروع خواهد شد.

سپس وزیر دربار اظهار داشت که شاه پیغام شفاهی توسط او برای من فرستاده و بموجب آن شاه مکرراً در باب ایفای به عهد خود اطمینان می‌دهد.

افتخار دارم که سواد مراسله‌ای که بموجب آن تقاضاهای دولت اعلیحضرتی را از ایران نموده‌ام ارسال دارم بعلاوه سواد مراسله قبول آن دولت و سواد ترجمه عبارت ترضیه وثیقه شاه را لفاً ایفا می‌دارم.

(امضا) چارلز مارلینگ

ملفوف ۱ نمره ۴۱۵

قلهك ، ۲ ژوئیت ۱۹۰۸

[۱۱ تیر ۱۲۸۷؛ ۳۳-۱۳۲۶]

حضرت اشرفا

مضامین تلگراف ۲۹ شهر ماضی را که حضرت اشرف شما بر حسب امر اعلیحضرت شاه مخیره نموده از بی‌احترامی‌هایی که در عرض چند روز نسبت به سفارت اعلیحضرت پادشاه بریتانیا [بریتانیا]ی عظمی بوقوع رسیده بود اظهار تأسف نموده بودید به دولت متبوعه خود مخیره نمودم.

بموجب تعلیماتی که از وزیر امور خارجه امروز برای من رسیده به حضرت اشرف اطلاع می‌دهم که نظر به بی‌احترامی‌هایی که بدفعات مکرره نسبت به سفارت اعلیحضرتی با وجود پروتستهای رسمی من از طرف پلیس و عساکر بعمل آمده دولت اعلیحضرتی پس از مذاقه در اهمیت مواقعی که تولید گردیده تقاضاهای ذیل را ترتیب داده‌اند:

- (۱) عساکر و پلیس از معابر سفارت برداشته شده و تبعه ونوگرها را مزاحم نشوند.
- (۲) وزیر دربار از طرف اعلیحضرت پادشاه و وزیر امور خارجه از طرف دولت ایران هر دو با لباس تمام رسمی در سفارت انگلیس طهران آمده در حضور من ترضیه کامل بطور رسمی بخواهند و قبل از وقت اطلاعات لازمه از بابت آمدن خود بدهند.
- (۳) تمام اشخاصی را که اخیراً در موقع ورود به سفارت یا خروج از آن دستگیر نموده‌اند و برای کارهای جاری خود ایاب و ذهاب نموده‌اند فوراً مستخلص سازند.
- (۴) وثیقه ممضی از طرف اعلیحضرت شاه برای جان اشخاص و اموال پناهندگانی که فعلاً در سفارت هستند به من داده شود.

(۵) در صورتیکه در جزو پناهندگان کسانی باشند که متهم به جنایتی شده و خطای پلتیکی که برای آن عفو عمومی داده شده نداشته باشند از آنها از زوی انصاف محاکمه خواهد شد و یکی از اعضای سفارت در موقع محاکمه آنها حضور خواهد داشت.

در پیشنهاد نمودن این تقاضاها به حضرت اشرف من بنابر تعلیمی که دارم عرض می‌کنم که در صورتی که این تقاضاها فوراً قبول نشده و با دقت تمام انجام نشود دولت اعلیحضرتی مجبور خواهند گردید که اقدامات لازمه برای تحصیل جبرانی که تصور می‌کنند باید به آنها بشود بنمایند.

بر وفق تعلیماتی که از دولت متبوعه خود بمن رسیده من مواد فوق را به اعلیحضرت شاه پیشنهاد می‌کنم.

(امضاء) چارلز مارلینگ

ترجمه ملفوف ۳ نمره ۲۱۵ -

مکتوب علاء السلطنه به مستر مارلینگ

طهران ، ۹ ژوئیه ۱۹۰۸

[۱۸ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱۰ ج ۲ - ۱۳۲۶]

آقا

از مضامین مراسله دوم ژوئیه شما مشعر بر شرایط پنجگانه‌ای که از قراری که مرقوم داشته‌اند بر حسب تعلیماتی که از دولت متبوعه خود برای شما رسیده به دولت ایران پیشنهاد می‌فرمایید مستحضر شدم و مسئله را به عرض اعلیحضرت پادشاهی رسانیدم . نظر به نیات مقدسه آن اعلیحضرت در بذل توجه مخصوص به حفظ و استقرار مبانی مودت و اتحاد مابین دولتین و محض اثبات مقاصد خالصانه خود آن اعلیحضرت تقاضای مذکوره را قبول و مرا مأمور نموده‌اند شما را از قبول شرایط مندرجه مراسله خود مستحضر دارم . در خصوص ماده سوم شما البته دولت ایران را از اشخاصی که خواسته‌اید مستخلص شوند مطلع خواهید ساخت تا آنکه اوامر لازمه داده شود . در باب ماده چهارم برای جان و مال و شخص پناهندگان در سفارت تأمینات داده خواهد شد ولی چنانچه شفاهاً اظهار داشته‌ام دولت انگلیس هم آگاه می‌باشند من شما را از این مسئله متذکر می‌مایم که لازم است پناهندگان سفارت انگلیس تا مدتی به خارج مسافرت نمایند زیرا که حضور ایشان باعث مفسده می‌شود و مفارقت آنها باعث آرامی که مملکت آنقدر به آن محتاج است خواهد بود . اوامر لازمه برای اجرای شرایط فوق‌الذکر صادر شده و واضح است که این حادثه را خاتمه یافته و مسکوت تصور خواهید نمود . امید است که همینطوری که دولت ایران ساعی است حتی‌الامکان با اظهارات دولت انگلیس موافقت نماید ، آن دولت هم از حسن نیت دولت ایران نسبت به خود قدردانی خواهد نمود .

(امضا و مهر) علاء السلطنه - محمدعلی

ملفوف ۳ نمره ۲۱۵

مضمون ترضیه شفاهی وزیر دربار و وزیر امور خارجه

برای بی‌احترامی که بواسطه محاصره سفارت اعلیحضرتی شده است .

بر دولت علیه ایران با تأسف زیاد مفهوم گردیده که در موقع اجرای اقداماتی که برای استقرار نظم و حفظ امنیت اهالی پایتخت معمول گردید بعضی از مأمورین جزو ، در حین انجام وظایف خود مرتکب بعضی اعمال غیر محترمانه که مخالف با دستورالعمل‌هایی بوده که به ایشان داده شده است نسبت به سفارت محترمه اعلیحضرت پادشاه بریطانیا شده‌اند . اعلیحضرت پادشاهی بنابراین از رفتار مأمورین خود بسیار دلتنگ شده و مرا مأمور نموده‌اند که از طرف خود برای وقوع این حوادث که بهیچوجه من‌الوجه با احساسات دوستانه آن اعلیحضرت نسبت به انگلستان موافقت نداشته اظهار تأسف صمیمانه بنمایم .

طهران ، ماه ژوئیه ۱۹۰۸

[تیر و امرداد ۱۲۸۷ ؛ ۲ ج و رجب ۱۳۲۶]

ملفوف نمره ۲۱۵

ترجمه دستخط شاه راجع به تأمین جان و اموال
اشخاص پناهندگان سفارت اعلیحضرتی.

وزیر امور خارجه

چون بعضی از تبعه ایران از رفتار و کردار سابق خود ترسیده و در
سفارت انگلیس پناهنده شده‌اند ما محض احترام آن سفارت خطاهای گذشته آنها را
بخشیده و به موجب این دستخط اعلان می‌نماییم که اشخاصی که اسامی آنها در صورتی که
سفارت داده‌اند مذکور است از حیث جان و مال و شخص خود امنیت داشته و خود
را از خطایای گذشته معاف بدانند.

بعضی از آنها که مصدر شرارت هستند با وجود آنکه خطاهای گذشته آنها بخشیده
شده باید لزوماً تا مدتی از مملکت خارج شوند. شما باید آن صورت را به ما ارائه نمایید
تا آنکه مدت غیاب هر یک را تعیین نماییم.

نمره - ۲۱۶

مکتوب مستر او برن به سرادواری (واصله ۴ اوت)

سنت پترزبورغ، ۲۵ ژوئیت ۱۹۰۸
[۳ مرداد ۱۲۸۷؛ ۲۶ ج ۲-۱۳۲۶]

آقا

در ۲۲ شهر جاری وزیر امور خارجه از بابت حوادث تبریز بسیار اظهار تشویش نموده
گفت وضع هرج و مرجی که آنجا در پیش است پراز خطر می‌باشد. هنوز کسی تاکنون
مزاحم جنرال قنسول روس نشده و اجتماع مردم احتیاط داشتند که بر اجانب حمله نشود
ولی وثیقه به دست نیست که چنین اقدامی به وقوع نرسد.

مسیو ایزوالسکی سپس از خسارات عظیمه که به علت دوام اغتشاشات به تجارت روس
وارد آمده مذاکره نمود و اظهار داشت که با آنکه دولت روس نمی‌خواهد، اوضاع ممکن
است طوری شود که آن دولت مجبور به مداخله گردد. مسیو ایزوالسکی تکرار نمود
که دولت روس میل مداخله ندارد و این کار را فقط در صورتی که اوضاع آن را ناچار
نماید خواهد کرد و در هر صورت بدون آنکه قبلاً با دولت اعلیحضرتی مشورت نماید عمل
نخواهد نمود.

دیروز وزیر امور خارجه را مجدداً ملاقات نموده در خصوص این مطلب مذاکره نموده
اظهار داشتم که آنچه آن جناب در ۱۲ شهر جاری به من عنوان نموده بودند اسباب
تشویش خیال من شده. من اینطور فهمیده بودم که در ضمن مذاکراتی که مابین ایشان و وزیر
مختار اعلیحضرتی واقع گردید طرفین اینطور قرار داده بودند که تا زمانی که حفظ جان
و مال تبعه روس و انگلیس مراعات می‌شود در امور ایران مداخله نخواهند نمود و جناب
ایشان الحال از خساراتی که به تجارت روس وارد آمده صحبت می‌نمایند. هرگاه دولت

روس می‌خواهند هر موقعی که خسارتی به تجارتشان وارد می‌آید از روی اصول مداخله عمل نمایند این کار عاقبت وخیمی خواهد داشت. مسیو ایزوالسکی در جواب مرا اطمینان داد که دولت روس در این خصوص بهیچ وجه در پولاتیک خود تغییری نداده‌اند و آخرین چیزی که آن دولت طالب هستند مداخله در امور ایران است و چیزی که باعث این اقدام خواهد شد فقط خسارات بسیار عظیمی است که به تجارت روس وارد آید. من نیایستی از کلماتی که در ۲۲ شهر جاری [۳۱ تیر؛ ۲۳ ج ۲] اظهار داشته‌اند تعبیر کنم که دولت روس صریحاً در خیال مداخله می‌باشند و ایشان فقط می‌خواسته‌اند که مرا از خوف اینکه مبدا اوضاع طوری شود که اقدام به این کار را ناچار و لاعلاج نماید واقف سازند.

(امضا) هیواوبرن

نمره - ۲۱۷

تلگراف مستر مارلینگ به سرادوردگری (واصله ۸ اوت)

طهران ، ۸ اوت ۱۹۰۸

[۱۷ مرداد ۱۲۸۷؛ ۱۰ رجب ۱۳۲۶]

مهیجین انقلاب که در قلهک بودند به استثنای ۱۲ نفری که امید خارج شدن آنها را يك یا دو روز دیگر دارم، دیروز رفتند.

نمره - ۲۱۸

مکتوب سرادوردگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه، ۱۳ اوت ۱۹۰۸

[۲۲ مرداد ۱۲۸۷؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۶]

آقا

مراسلات شما که حاوی شرح کلیه حوادث مربوط با کودتای اخیر در ایران بود واصل گردید.

قرائت مراسلات مذکور برای من بسیار سودمند بود و لازم است که شما را مستحضر دارم که دولت اعلیحضرتی اشکالاتی را که در ضمن وقوع حوادث مرقومه شما را دوچار نموده بخوبی شناخته و ثبات و تحملی را که شما در مورد اوضاع بسیار ناگواری که متعاقب هم پیش آمده بخرج داده‌اید صمیمانه می‌پسندند.

(امضاء) گری

نمره - ۲۱۹

مکتوب مستر مارلینگک به سرادوارگری (واصله ۱۷ اوت)

قلهك ، غرة اوت ۱۹۰۸

[۱۰ مرداد ۱۲۸۷؛ ۳ رجب ۱۳۲۶]

آقا

پیشنهاداتی را که مستشار مالیه روز ۲۶ و مجدداً روز ۲۷ شهر گذشته پس از آنکه با وزیر مالیه مفصلاً مذاکره نموده به سفیر روس و من ارائه نمود هنوز صورت قطعی حاصل ننموده‌اند ولی می‌توانم گمان کنم يك نظر عمومی در آن بیفایده نخواهد بود.

مسیو بیزو مخصوصاً اصرار بر لزوم تزئید اختیارات وزیر مالیه که فعلاً دارای هیچگونه اختیاری نیست دارد. در تحت سیستم موجوده وزیر مالیه بر عایداتی که وصول می‌شود کنترل کمی دارد یا آنکه هیچ ندارد و باستثنای عایدات گمرکی خزانهدار دیگری مستقلاً سایر عایدات را اسماً به وجه نقد تبدیل می‌نماید و حساب وجوهاتی که به این شخص داده می‌شود ظاهراً بهیچوجه گرفته نمی‌شود و این شخص چنانچه می‌نماید مختار است که از مأمورین ایالات و ولایات پرداخت عایداتی را که آنها مسئول وصول آن می‌باشند طلب نماید و اسماً این یکی از وظایف مستوفیان است مستوفیان چنانچه تصور می‌شود محاسبات دولت را به يك طریق درهم برهمی که مخصوص خودشان است نگاه داشته و يك قسمتی از وظایف آنها اینست که عمل معاملات مالی حکومت مرکزی را با مأمورین محلی تصفیه نمایند. برای انجام این مقصود در هر يك از مراکز ایالات و ولایات يك نفر مستوفی اقامت دارد و او هم مثل یکی از همکاران طهران خود مخصوصاً موظف به تصفیه معاملات مالی آن ایالت است. از قرار معلوم تمام اینها متقلب و بدعمل می‌باشند ولی تازمانی که يك قسم حسابی - که هیچکس نمی‌تواند بغیر از خودشان آن را بفهمد یا از صحت و عدم آن واقف شود - از وجوهاتی که تصوراً وصول می‌نمایند می‌دهند ، از آنها تحقیقی نمی‌شود. در واقع ظاهراً هیچکس قوه این را ندارد که در مقام تحقیق از آنها برآید مگر اشخاصی که داخل کار بوده پرده بر روی اعمال خود کشیده‌اند.

مسیو بیزو می‌خواهد خزانهدار و مستوفیان را بالتمامه اخراج نموده و يك کمیته کنترل که اسماً در تحت وزارت مالیه تشکیل دهد در واقع به قصد نظارت اعمال وزیر مالیه این کمیته را تعیین می‌نماید. در حقیقت این کمیته هیئت مشاوره خواهد بود که بدون رضایت آنها وزیر اقدامی نمی‌تواند بکند اما از بابت تشکیل وزارتخانه مسیو بیزو را عقیده بر این است که آن را از روی يك نقشه بسیار ساده تشکیل دهد چرا که هرگاه از روی يك نقشه فی الجمله درهمی باشد ابواب تقلب و مغالطه کاری مفتوح خواهد گردید. مسئله عایدات ایران بسیار ساده است و در واقع منحصر به مالیات واردات گمرکی است اگر چه چند منابع کوچکتر هم موجود است. مبلغ مالیات هرایالتی معلوم است و می‌توان آن را میزان کار در ابتدا قرار داد اگر چه فیما بعد ممکن است جدیداً ممیزی شده بدانواسطه عایدات زیادتر و بزرگتری چنانچه تصور می‌شود بدست آید. بنابراین اینطور

معلوم می‌گردد که در تشکیل يك شعبه عایدات در صورتی که يك نفر مأمور متدین ریاست آنرا به عهده بگیرد اشکالی نخواهد بود اما از حیث مصارف ترمیمات زیادتری لازم است بشود. تاکنون چیزی که بتوان اسم آنرا بودجه گذارد در کار نبوده. مسیو بیزو سعی داشته است معنی بودجه را بفهماند ولی به مقصود خود نائل نگردیده. مأمورین وزارت مالیه تصدیق دارند که عایدات و مصارف باید مساوی باشند ولی می‌گویند در صورتی که مبلغ عایدات گمرکی غیر معلوم است چطور می‌شود این کار را کرد و بحث آنها این است که عایدات گمرکی را باید خارج از موضوع بودجه قرار داده و از مصارف عادی کم نمود تا به میزان مالیات و سایر منابع عایدات ثابت برسد. از قرار معلوم این کار را تا همین اواخر معمول داشته‌اند و اضافه عایدات گمرکی را پس از وضع مصارفی که به آن تعلق می‌گرفته تصور می‌نموده‌اند يك وجه فوق‌العاده‌ای است که از آن باید همه نوع مصارف غیر مترقبه را بدون اینکه کسی تصویب نماید بپردازند. مسیو بیزو را عقیده بر این است که بتوان از روی آن يك بودجه موقتی تهیه نمود. او بعلاوه پیشنهاد می‌کند که گمرکات و ضرابخانه باید در تحت وزارت مالیه باشند.

واضح است که موفقیت او در اعمال این نقشه چنانچه خود او هم تصدیق دارد کاملاً بسته به اشخاص و اختیارات کمیته کنترل خواهد بود. مسیو بیزو را عقیده بر این است که می‌تواند دویاسه نفر از ایرانیان متدین را برای این کار نامزد نماید ولی از قرار معلوم وجود يك نفر اروپایی در کمیته‌ای که در مدنظر است برای اینکه جدیت لازمه را بخرج داده وسیله اداره امور بطور تدین شود ناگزیر خواهد بود.

ولی حتی اگر تصور کنیم که کمیته‌ای موافق دلخواه تشکیل گردیده و برای دوام آن تأمینات صحیح به دست آید این مسئله مشکل هنوز باقی خواهد ماند که پرسنلی که برای اداره کردن يك اداره مالیه‌ای که نسبتاً بتواند امورات را به کفایت بگذراند از کجا می‌توان پیدا کرد. بر من شخصاً یقین است که این کار تقریباً غیر ممکن خواهد بود مگر آنکه عده‌ای از مأمورین که مسئولیت کارهای عمده داشته باشند اروپایی باشند. گمان من این است که مسیو بیزو هم رویهم رفته با من هم خیال است.

روزی ام مسیو بیزو به حضور شاه مشرف شده نقشه رفورمی را که در مد نظر داشت به آن اعلیحضرت ارائه نمود. شاه بهیچوجه اعتراضی ننموده و بسیار اظهار همراهی و معاونت مخصوصاً برای تشکیل کمیته کنترل به او نمود. مسیو بیزو از روی دقت برای آن اعلیحضرت توضیح نمود که آنها مسئله کمک نمودن به ایران را در این موقع اغتشاش فعلی مالیه آن دولت در تحت ملاحظه نخواهند آورد مگر آنکه وثیقه معینی بدست باشد که عمل رفورم با جدیت تمام تعقیب خواهد شد. مسیو دوهارت ویک را عقیده بر این است که شاه این مسئله را کاملاً درک می‌نماید.

اما از بابت درباریان و وزرا خیلی احتمال می‌رود که حاضرند شاه را نصیحت نمایند هرگونه شرایطی را که برای پرداخت مساعدت دولتی پیشنهاد نمایند قبول نمایند. هیچ گفتگویی نیست که پول جداً لزوم پیدا کرده و مادامی که دولت ایران برای حصول آن متشبث به هر نوع اقدامات گردیده است مثلاً بواسطه مساعدت گرفتن از بابت

عایدات گمرکی یا در آوردن پول از اشخاص معتبر مشروطه‌خواه یا استقراض از اهل بازار در مقابل سودخانه‌خراب کن هیچ اقدامی نمی‌شود که دولت در معاملات بسیار معلومه به حق خود برسد. برای نمونه ممکن است مذکور دارم که اداره ضرابخانه کلیه نقره‌ای [را] که به آن داده می‌شود سکه می‌زند ولی منافع بسیار عمده آن - یحتمل صدی ده - به کیسه دولت نرفته بلکه به جیب مدیر ضرابخانه که حساب اداره خود را پس نمی‌دهد می‌رود. در واقع هیچکس نمی‌داند که آیا ضرابخانه یا تلگرافخانه از زوی قانون اداره می‌شود یا اینکه به اجاره داده می‌شود و فقط به یک چیز می‌توان یقین حاصل نمود و آن تقلبی است که به دولت می‌شود.

اعتبار دولت آنقدر بد شده که بانکهای روسی و انگلیسی مطلقاً بی‌میل هستند که حتی بطور موقت به ضمانت گمرکات وجه مختصری برسانند.

می‌ترسم مسئله رفورم برای آن مقصودی که در بردارد قبول نشود و فقط برای آنکه در مقابل آن پول بدست آورند قبول می‌کنند و ما باید منتظر بوده بینیم چطور تا پول میسر گردد هرگونه تلاش برای تلف کردن آن و احتراز از رفورم بعمل خواهد آمد. هرگاه یک نتیجه مفیدی از این اقدام باید گرفته شود وثیقه‌های بسیار سخت و جدی لازم است و این کار به عهده مسیو بیزو خواهد بود که طرح شرایط لازمه را بریزد. او فعلاً مشغول تحقیق است اقل مبلغ مساعده‌ای که برای رفع اشکالات حالیه دولت لازم است چقدر خواهد بود و به چه نحو بهتری می‌توان آن را بدست آورد که غیر از برای مقاصد مشروعه طور دیگری به مصرف نرسد.

چارلتر مارلینگ

نمره - ۲۲۰

مکتوب مستر مارلینگ به سرادوارگری (واصله ۱۷ اوت)

قلهك ، غره اوت ۱۹۰۸

[۱۰ مرداد ۱۲۸۷؛ ۳ رجب ۱۳۲۶]

آقا

در تلگرافات خود بطور اختصار راپورت اشکالاتی را که در ترغیب عده‌ای از بستیه‌های سفارت به ترك آنجا حتی پس از وصول دستخط شاه مبنی بر تأمین جان و مال آنها که به آن برخورده‌ام داده‌ام عده کمی که قبل از این خارج شدند در واقع بستی نبودند بلکه اشخاصی بودند که در موقع تعیین عساکر دور سفارت برای کارآمده قصد دیگری نداشتند و از ترس دستگیری نخواستند بودند از آن مأمن خارج شوند و یکی دو روز پس از برداشتن قراولان رفتند.

همینکه دستخط شاه به من رسید مستر اسمارت آن را برای بستیه‌ها قزائم نموده اکثر آنها راضی شدند که فوراً خارج شوند ولی قریب بیست نفر آنها بنای اشکال‌تراشی را گذاردند. ابتدا از رفتن اظهار بی‌میلی نمودند به این علت که مگر آنکه سفارت به آنها نوشته

بدهد به این مضمون که این اشخاص از جمله کسانی هستند که این دستخط در مورد آنها صادر شده به قول شاه اعتماد نتوانند کرد. البته برای این عنوان بهانه‌ای داشتند چرا که با وجودی که اعلان عفو عمومی داده شده بود عده‌ای را به جهات صرف پلتیکی دستگیر نموده بودند. من بسیار بی‌میل در دادن چنین نوشتجات بودم چرا که خطر داشت آنها را سوءاستعمال نمایند ولی از آنجایی که راه دیگری برای ترغیب آنها به رفتن از آنجا به نظر نمی‌رسید من بالاخره مصمم شدم که به آن اشخاصی که واقعاً خود را در خطر می‌پنداشتند نوشته مزبور را بدهم.

عبارت این نوشته را بطور دقت نوشتم به این مضمون که حامل به این اسم و شغل و محل سکونت صحیح جزو پناهندگان سفارت می‌باشد. قبل از آنکه این نوشته را بدهم یا وزیر امور خارجه در این باب مشورت نموده و او اظهار داشت که چنین نوشته به این ترتیب مورد اعتراض واقع نخواهد گردید.

با وجود این بستیه‌ها هنوز در رفتن ابراز بی‌میلی زیاد می‌نمودند و آنچه به آنها از طرف مستر اسمارت و مفتاح السلطنه و مستر چرچیل هرروزه و تقریباً ساعت به ساعت اصرار می‌شد و محاجه می‌نمودند تا یکی دو روز تغییر خیالی برای آنها پیدا نشد. کم می‌توان شك داشت از اینکه آنها هنوز می‌ترسیدند ولی پس از آن بر من حتم شد که مقاصد پلتیکی هم در اذهان آنها نفوذی داشته. من بنابر این مستر اسمارت را دستورالعمل دادم که با لسان جدی‌تری با آنها مذاکره نموده حتی تا این اندازه که به آنها اشاره نماید که چون سفارت نمی‌تواند آنها را به جهات پلتیکی اجازه توقف دهد من حسب الامکان لزوماً اقدامات سخت‌تری برای اخراج آنها خواهم نمود. من امیدوارم که از دستورالعملهای خود تجاوز ننموده باشم.

این اعلان اگر چه فوراً نتیجه‌ای از آن بروز ننموده ولی بالاخره منتج ثمری گردیده و روز ۱۶ [۲۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۷ج ۲-۱۳۲۶] فقط از بستیه‌ها ده نفر در سفارت بیشتر نبودند یعنی همان شش نفری که شاه می‌خواست از مملکت خارج شوند و چهار نفر دیگری که می‌بایستی به آذربایجان معاودت نمایند.

اما از بابت شش نفر اولی ابتدا شاه درخواست نمود که تقی‌زاده بایستی به مدت ده سال و بهاء‌الواعظین واعظ پنج‌سال یکی از مدیران جرائد ۷ سال و دیگری ۸ سال از ایران خارج باشند. ولی چون من به این مدت‌های طویل که يك مجازات بسیار سخت نفسی از مملکت بود و با شرایط دستخط که عفو عمومی به تمام مهیجین پلتیکی و مخصوصاً به پناهنده‌گان سفارت اعلی حضرتی داده بودم مطابقت نداشت اعتراض نموده بودم. این مدت‌ها سپس بقرار ذیل تخفیف داده شد:

۱/۵ سال

۱/۵ سال

۱ سال

۱ سال

۱ سال

تقی‌زاده

بهاء‌الواعظین

میرزا علی اکبرخان

صدیق‌الحرم

سیدحسن

معاضداً السلطنه به بهانه علت مزاج به میل خود از ایران خارج شد و مدتی برای او تعیین نشد. چهار نفر دیگر قرار شد به اوطان خود معاودت نمایند. من لازم نیست از شرح مذاکرات مطول تکدر آمیزی که منتهی به حرکت باقی پناهندگان در تاریخ ۱۸ و ۱۹ ژوئیت [۲۷ و ۲۸ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۹ و ۲۰ ج ۲-۱۳۲۶] در کالسکه‌های دولتی برای اترلی شد به شما زحمت دهم. لازم بود که برای مخارج مسافرت و سایر مخارج آنها ترتیب پولی داده شود که شاه به آنها بدهد و ترتیب این کار آخر الامر داده شد. پناهندگان دوباره بسیار از حق خود تجاوز کرده و بعضی از آنها درخواست نمودند که شاه باید در مدت غیاب خود از ایران مبلغی کمک خرج به آنها بدهد. من طبعاً از استماع این عنوانات بی میلی نمودم و به اشکال زیاد آخر الامر بر مقاومت‌های آنها فائق آمدم. اگر در مورد تقی‌زاده از انصاف نگذریم لازم است بنویسیم که این شخص در تمام مدت توقف خود در سفارت با اشتیاق تمام با کوششهای مستر اسمارت در حرکت دادن بستیها همراهی نمود.

بستیها بالاخره دو دسته شده در ۱۸ و ۱۹ ژوئیت حرکت کردند و یک مأمور از طرف وزارت خارجه و یک غلام سفارت با هر دسته همراه بود. همراهی مستر اسمارت در تمام مدت بسیار ذی‌قیمت بوده و سزاوار هرگونه تمجید است.

مفتاح السلطنه که نشان «ک.سی.ام.جی» را داراست و رئیس اداره انگلیس وزارت امور خارجه است واسطه مذاکرات با شاه بود. ترتیب شرایط ترضیه و دستخط توسط او بعمل آمد و مذاکرات ثانوی در خصوص حرکت باقی پناهندگان از ایران بوسیله او انجام گرفت. همراهی او و علاء السلطنه وزیر امور خارجه که در تمام این مدت ابراز حسن نیت کامل نموده و از هرگونه مساعی برای فیصله عاجل امور دریغ نمودند خارج از اندازه مفید می‌باشد.

(امضا) چارلز مارلینگ

نمره - ۲۴۱

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری، مورخه ۱۹ ماه اوت [۲۸ مرداد ۱۲۸۷؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۶] از سن پترزبورغ.

کفیل وزارت امور خارجه امروز در خصوص ایران بامن صحبت داشت و پیشنهاد نمودند که خوب است به شاه متفقاً یادآوری بشود که او باید در تاریخ معینی مجلس را باز نموده و به قولهایی که در دستخط خود داده عمل نماید.

ایشان گمان نمودند که بهتر آن است که این اقدام در موقع ورود سربار کلسی به طهران در اواخر ماه سپتامبر بشود و بعلاوه گفتند که ایشان در این موقع ذکری از این پیشنهاد نمودند برای اینکه شما موقع دقت نظر در آن را داشته باشید. من در جواب گفتم که پیشنهاد مذکور را برای شما خواهم فرستاد در صورتی که شما

پیشنهاد مسیو چریکف را قبول نمایید . من از ایشان خواهش نمودم که مضمون پیشنهاد را بنویسند و بعد برای شما خواهم فرستاد تا اینکه اگر شما مایل به تغییری در آن باشید اظهار نمایید.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۲۲

تلگراف سرادواری به مستر مارلینک ، مورخه ۱۹ اوت

[۲۸ مرداد ۱۲۸۷ ؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۶]

از وزارت خارجه، لندن

دو سال است که وزیر مختار از این دربار حرکت کرده و يك سال و نیم است که شاه (انگلیس) تمین احتشام السلطنه را به این مقام قبول نموده است . حالا ما می شنویم که شاه (ایران) بدون اینکه کس دیگری را پیشنهاد نماید این انتخاب را تغییر داده است. دولت اعلیحضرتی منتظرند که بیش از این دیگر در انتخاب شخصی تعویق روی ندهد و به نظر ایشان این حرکت شاه به منتهای درجه برخلاف ادب است.

نمره - ۲۲۳

تلگراف سرادواری به سر نیکلسن ، مورخه ۳۰ ماه اوت

[۷ شهریور ۱۲۸۷ ؛ ۲ شعبان ۱۳۲۶]

از وزارت خارجه، لندن

من به پیشنهاد مندرجه در تلگراف ۱۹ این ماه شما موافق و شما مجاز هستید که از کفیل وزارت امور خارجه خواهش نمایید که مراسله متفقانه به شاه رابه همان طریقی که مقرر شده ترتیب دهند.

نمره - ۲۲۴

تلگراف سر نیکلسن به سرادواری ، مورخه ۲۲ ماه اوت

[۳۱ مرداد ۱۲۸۷ ؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۶]

از پترزبورغ

زاجع به تلگراف ۲۰ این ماه شما : مسیو چریکف به من اطلاع می دهد که او ترتیب مراسله را خواهد داد که نمایندگان دولتین در موقع لزوم برای شاه بفرستند . در جواب من گفتم که بعد از اینکه دولتین روس و انگلیس مضمون مراسله را تصویب نمودند آنوقت دولتین در طهران باهم شور خواهند نمود که در چه موقع در صورت لزوم فرستادن مراسله بهتر خواهد بود.

نمره - ۲۲۵

مراسله مستر مارلینگ به سرادوارگری، ۱۰ ماه اوت

[۱۹ مرداد ۱۲۸۷؛ ۱۲ رجب ۱۳۲۶]

از قلهك

آقا

افتخار دارم که لفاً سوادى از يادداشتى که بروفق دستورالعمل شما در خصوص توقيف وجه استهلاك سه ساله قرضه ۱۹۰۳-۴ به وزير امور خارجه نوشته انفاد دارم.
(امضا) چارلز مارلینگ

ملفوف در نمره ۲۲۵

مراسله مستر مارلینگ به علاءالسلطنه به تاريخ ۲۵ ژويه ۱۹۰۸

[۳ مرداد ۱۲۸۷؛ ۲۶ ج ۲-۱۳۲۶]

از قلهك

حضرت اشرفا

بموجب يادداشت ۳۱ ماه اوت ۱۹۰۷ [۸ شهريور ۱۲۸۶؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۵] سفير اعليحضرتى افتخار داشت که به حضرت اشرف شما اطلاع بدهد شروطى را که، بهموجب آن شروط، دولت اعليحضرتى حاضر است که قبول خواهش دولت عليه ايران را راجع به توقيف وجه استهلاك سه ساله قرضه ۱۹۰۳-۴ بنمايد.

جوابى به يادداشت مذکور داده نشده ولى وجهى هم از اصل قرضه تا به حال پرداخته نشده وبعلاوه در پرداخت فرع هم تعويقى حاصل گرديده است.

دولت اعليحضرتى به جهات مذکوره فوق تصور نمود که شروط مقرره را دولت ايران قبول نموده است. لهنذا بر وفق دستورالعمل از دولت متبوعه خود من وزير امور خارجه سابق را از نظريات دولت متبوعه خود مطلع ساختم.

در جواب يادداشت ۲۴ فوریه که در آن مطلب مذکور مندرج بود جناب مشيرالدوله به من اطلاع داد که جواب يادداشت سراسپرینگ رايس به همين زودبها، فرستاده خواهد شد. هرچند که پنج ماه است که از آن تاريخ گذشته ليکن تا به حال جواب يادداشت مذکور براى من نرسیده است و اکنون از وزير امور خارجه دولت اعليحضرتى براى من تعليماتى رسیده که حضرت اشرف شما را مطلع بسازم که بواسطه نرسیدن جواب معهود و نظر به اين که فرع قرضه به عهده تعويق افتاده و بعلاوه از تاريخ ۴ ماه آوريل ۱۹۰۶ [۱۴ فروردين ۱۲۸۵؛ ۹ صفر ۱۳۲۴] تا به حال ابدأ از وجه استهلاك پرداخته نشده است لهنذا دولت اعليحضرتى بهيچوجه اجازه نخواهند داد که بعد از اين مذاکراتى در شرايط پيشهاديه مندرجه در يادداشت فوق الذکر سر اسپرینگ رايس بشود.

نمره - ۲۳۶

مراسله مستر مارلینگک به سر ادوارد گری مورخه ۱۲ اوت

از قلحك

[۲۱ مرداد ۱۲۸۷؛ ۱۴ رجب ۱۳۲۶]

آقا

من افتخار دارم که مجملی از حوادث چهار هفته آخر ایران را بطور معمول انفاذ دارم .
(چارلز مارلینگک)

ملفوف در نمره ۲۳۶

مجمعل حوادث ماهیانه ایران

اوضاع عمومی

شاه در باغشاه متوقف است. در آنجا تدارکات برای توقف طولانی او دیده می شود. امیر بهادر که ملقب به لقب سپهسالاری و به مقام وزیر جنگی معین گردیده است خیلی ظاهراً قادر است هر چند که از اقدامات ملیین از تاریخ ۲۲ ژون [۱ تیر؛ ۲۲ ج ۱] تا بحال جلوگیری شده و فقط مقاومت جدی از طرف اهالی تبریز بعمل آمده و آنها هنوز هم جنگ می نمایند ولی نشانه هایی مشاهده می شود که در آتیه اقدامات ملیین از نو شروع خواهد شد. علمای نجف علیه شاه رأی داده و هر چند که تلگرافات آنها توقیف شده است ولی اخبار آنرا مردم عموماً مطلع اند.

اثر اخبار از عثمانی خیلی زیاد نبوده ولی بعد از این مؤثر واقع خواهد گردید. در این بین از قرار معلوم شاه دچار اشکالات مالی است و مسیو بیزو فعلاً مشغول نقشه ای است که شاید بعد از این اصلاحاتی کرده بشود. سبب عمده خالی شدن خزانه، تدارکات فوق العاده نظامی و فرستادن قشون به آذربایجان است.

(امضا) چرچیل، منشی السنه شرقی

اورمیه

مستر رتیس لو [راتیسلا] راپورت می دهد که کودتای شاه ابدآ اثری در اورمیه نبخشید و اظهار می دارد که با وجود فائقیت موقتی، شاه نمی تواند که در آذربایجان بطور دلخواه خود حکمرانی نماید.

مشهد

حزب ملیین شهر شکست خود را قبول نموده و ابدآ خیال جنگ را ندارند.

تربت حیدری

مردم خبر کودتا را بدون تالم یا خوشحالی پذیرفتند.

اصفهان

ظاهر آ شاه هیج طرفداری در اصفهان ندارد ولی با وصف این رؤسای ملیین خیلی در وحشت هستند.

اقبال الدوله که به جای علاءالملک به حکومت معین گردیده هنوز وارد نشده است. ممکن است اشخاصی که برای خود خطری تصور می نمایند در موقع ورود او به ژنرال قنصلخانه متحصن شوند.

ظاهر آقا نجفی برای شاه کار می کند ولی برادر او آقانورالله علناً اظهار داشت که یکی از دستخطهای شاه برخلاف مذهب و آزادی است.

نایب الحکومه اقبال الدوله در ۱۹ ماه ژویه [۲۸ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۰ ج ۲-۱۳۲۶] به اصفهان وارد شد.

در ۸ ماه اوت [۱۷ مرداد ۱۲۸۷؛ ۱۰ رجب ۱۳۲۶] او به رئیس خود در طهران تلگراف مخبره نمود که تلگرافی از رؤسای علمای نجف واصل گردیده و آن تلگراف را به درب یکی از مساجد چسبانیده بودند. مفاد تلگراف مذکور این است که هر کس به راه آزادی و مشروطیت کشته شود مثل شهدای کرب و بلا [کربلا] می باشد. تلگراف را سربازان از درب مسجد پاره نمودند ولی نایب الحکومه تقاضای استرداد نموده بود بواسطه اینکه او می ترسید که شاید بلوایی فراهم آید.

آقا نورالله از روی منبر مردم را اصرار نمود که دکانهای خود را ببندند ولی نایب الحکومه توسط جارچی به مردم اخطار نمود که هر دکانی که بسته باشد سربازان او را غارت خواهند نمود.

یزد

انتظام الملک از حکومت معزول گردید ولی او دو مرتبه بواسطه استدعای مردم از شاه به حکومت برقرار گردید. از تاریخ اواخر ماه ژون راه یزد به نائین نا امن بوده دزدی از قوافل و پست شده و راه بواسطه عده ای از سارقین سواره مسدود شده است. کلیه رفت و آمد پست بهم خورده است و حکومت هم ظاهر آ هیج اقدامی نمی کند.

سلطان آباد

ویس قنصل اعلی حضرتی در ۶ ماه ژون [۱۶ خرداد ۱۲۸۷؛ ۶ ج ۱-۱۳۲۶] راپورت داد شش انجمن سیاسی در سلطان آباد است و هر کدام از اینها می خواهند که شهر را اداره نمایند. حکومت قدرتی ندارد و رؤسای این انجمنها علمائی هستند که می خواهند حسیات علیه اروپاییها را مابین مردم تولید نمایند.

برای کمپانی زیگلر خیلی مشکل شده است که مبلغ سی هزار لیره ای را که به کارخانه های قالی باقی به رسم مساعده و پشم داده دریافت نماید.

شیراز

در اول ماه ژویه [۱۰ تیر ۱۲۸۷؛ ۲ ج - ۱۳۲۶] پاتزده نفر توپچی برای دریافت حقوق يك ساله عقب افتاده خود از دولت ایران به قنصلخانه اعلیحضرتی متحصن شدند؛ بعد پس از اینکه قول به آنها داده شد که مواجب آنها پرداخته خواهد شد ما آنها را وادار نمودیم که از قنصلخانه خارج شوند.

سرتیپ فوج چهارم حال هم به قنصل اعلیحضرتی اظهار نمود که ممکن است فوج او هم برای همین مقصود در قنصلخانه تحصن اختیار نمایند.

جنگ مابین ده کمارج و دالکی که در موقع حکومت ظل السلطان موقوف شده بود مجدداً در ۶ ماه ژویه [۱۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۷ ج ۲ - ۱۳۲۶] شروع گردید.

هیچ امیدنظم در این راه برده نمی شود مگر در تحت فرمانفرمای مقتدری. هر چند که شیراز خاموش مانده است ولی کلیه ایالت فارس در حال بی نظمی است و از هر طرف راپورت سرقته داده می شود. کازرون در حال محاصره است. قراع مابین خان کمارج و میرزا کاریزخان نایب الحکومه سابق است. شخص ثانی به قنصلخانه اعلیحضرتی در شیراز متحصن شده است.

در عرض مدت ۴ الی ۲۵ ماه ژویه اعراب پست طهران را چهار مرتبه سرقته نمودند و راه اصفهان هم خیلی ناامن است.

شیرازها تعیین آصف الدوله را به حکومت بواسطه عدم موفقیت او سابقاً در حکومت شیراز استهزاء می نمایند. سردار فیروز نایب الحکومه در ۱۶ ماه ژویه وارد گردید. (امضا مازور استوکس، آتاشه میلیر)

نمره - ۲۴۷

مراسله مستر مارلینگک به سرادواردگری، مورخه ۱۲ اوت ۱۹۰۸

[۲۱ مرداد ۱۲۸۷؛ ۱۴ رجب ۱۳۲۶]

از قلهک

آقا

در اتمام مراسله غره این ماه خود افتخار دارم از راپورت اینکه در ۶ این ماه مسیویزو به باغ شاه احضار گردید. محض اینکه طرحی را که او برای اصلاح وزارت مالیه پیشنهاد نموده بود به صدراعظم حالی نماید.

نتیجه ملاقاتی که بیش از دو ساعت طول کشید بی ثمر بود. بغیر از مشیرالسلطنه دوسه وزیر دیگر در این ملاقات حضور داشتند. امیر بهادر جنگ هم که شخص او دارای دوشغل عمده که یکی آن سپهسالاری و دیگری وزارت جنگ بود گاه گاهی حضور بهم می رسانید. او پیش از اینکه تقاضای وجوهات فوری نماید شرکتی در مذاکرات نداشت.

باعث زحمت است که من تمام جزئیات حکایتی را که مسیو بیزو برای من نقل کرده برای شما بنویسم. همینقدر اظهار این مطلب کافی است که باستثنای علاءالسلطنه که در

آخر مذاکرات وارد شد تمام وزرا و درباریهائی که حضور داشتند از صحبت آنها چنین معلوم می‌گردید که آنها فقط از مسیو بیزو انتظار داشته که او به يك وسیله پولی فراهم نموده و به آنها برای حیف و میل بدهد.

بالاخره مسیو بیزو توانست که صورتی از مصارف خیلی لازم فوری دولت ایران را تحصیل نماید.

صورت از قرار ذیل است:

اصلاح قشون ، مخارج قورخانه، خرید چادر، و سایر مخارج ، لوازم نظامی	۵۰۰،۰۰۰ تومان
حقوق پس‌افتاده قشونی و حقوق هذمه‌السنه و قیمت ملبوس قشونی	۵۰۰،۰۰۰ تومان
ساختن قلاع در سرحدات آذربایجان و آستارا و کرمانشاه و سیستان و بلوچستان	۳۰۰،۰۰۰ تومان
پرداخت حقوق دیوانی که بواسطه انقلابات اخیره پرداخته نشده	۲۰۰،۰۰۰ تومان
تتمه پرداخت قیمت تفنگ و غیره که مرحوم مظفرالدین‌شاه خریده و خرید تفنگ و فشنگ جدید	۵۰۰،۰۰۰ تومان
جمع کل	» (۲،۰۰۰،۰۰۰)

این مبلغ که تقریباً ۴۰۰،۰۰۰ لیره می‌شود مطابق است با مساعده‌ای که مادر سال ۱۹۰۶ خیال داشتیم به دولت ایران پردازیم.

بطوریکه مسیو بیزو اظهار داشت این درآمد عجیب بدون شك کار امیر بهادر جنگ است که از این مبلغ دو میلیون تومان، يك میلیون و هشتصد هزار تومان آن به جیب او خواهد رفت.

در حینی که مسیو بیزو نزد من بود خبر آوردند که قوام‌الدوله وزیر مالیه برای ملاقات من آمده‌است. بنابر خواهش من مسیو بیزو هم توقف نمود. پس از قدری صحبت وزیر مالیه به مسیو بیزو اظهار نمود که صورت را ارائه بدهد و از من سؤال نمود که عقیده‌شما در این خصوص چیست. من در جواب از ایشان سؤال نمودم که آیا واقعاً شما منتظرید که من بطور جدی دقت نظری در این صورت بنمایم. دولت ایران از ما تقاضا می‌نماید که مبلغ زیادی به او پردازیم در صورتی که مبلغ کثیری وجه به دست امیر بهادر جنگ بدون هیچ نوع ضمانتی از ترتیب صحیح مصارف آن داده خواهد شد و مابقی آن را هم برای حقوقهای تقلبی بی‌فایده صرف بشود [خواهند کرد]. من کمال اطمینان را دارم که در صورتی که من آن پیشنهاد را برای دولت متبوعه خود ارسال بدارم دولت من بر آن پیشنهاد ابداً وقعی نخواهد گذاشت در صورتیکه من ابداً حاضر فرستادن هم نیستم. به عقیده من مقصود از این پیشنهاد هیچ چیز نیست جز اینکه امیر بهادر جنگ و رفقاییش می‌خواهند کیسه خود را مثل زمان سابق پر کنند و جناب وزیر باید آگاه باشند که دولت

اعلیحضرتی هیچوقت دولت ایران را کمک برای تهیه پولی از جهت همچو مقصودی نخواهد کرد.

بعلاوه من اظهار تأسف می نمودم از اینکه دولت ایران از قرار معلوم هیچوجه خیال ندارد که اصلاحی در مالیه خود نماید.

قوامالدوله قدری مضطربالحال گردیده و بعد دلیل آورد که کمیسیونی که مسیو بیزو خیال دارد در وزارت مالیه تشکیل بدهد خود يك نوع ضمانت کافی است که در صورتی که قرض داده شود حیف و میل نخواهد شد.

چون پیش از ورود قوامالدوله مسیو بیزو به من اطلاع داده بود که اعضای کمیسیون مزبور بطوری که جناب وزیر پیشنهاد نموده است مرکب خواهند بود از خود وزیر مالیه و دو پسرش و دونفر دیگر لهذا من به ایشان در جراب اظهار نمودم که بدوآ من باید از ترکیب این کمیسیون مطلع بشوم تا اینکه بتوانم اعتمادی به آن نمایم و بعلاوه از ایشان سؤال نمودم که در صورتی که دولت ایران واقعاً طالب اصلاح است چرا در این صورت مصارف لازمه هیچ وجهی برای اصلاحات منظوراً نگریده و بعلاوه چرا ابدآ ذکرى از حقوق عقب افتاده نمایندگان دولت ایران در خارجه که از قراری که به من گفته شده است الزم تمام مخارج است برده نشده است.

مسیو بیزو در این مطالب بامن همراهی تامی نموده و اظهار داشت من که سمت مستشاری مالیه را دارم هیچوقت به وزیر مالیه توصیه نمی نمایم که همچو صورتی را قبول نماید. بدون جزئیات ممکن نمی شود که نظارتی در مصارف نمود آیا وزیر گمان می کند که هیچ اداره ای جز وزارت جنگ پول فوری لازم ندارد.

پرواضح است که ترتیب دهندگان این صورت ابدآ نفع عموم را در نظر نداشته اند اگر دولت ایران می خواهد که مساعدتی از طرف دولتین به او بشود باید با مسیو بیزو کمک نموده تا اینکه او از حالت مالیه کنونی مملکت اطلاع حاصل نموده و بعد صورت مشروحو از وجوهات لازم برای هر اداره ترتیب بدهد.

ظاهراً قوامالدوله خیلی مأیوس از نتیجه این ملاقات گردید و مسیو بیزو مرا مطمئن ساخت که قوامالدوله برای گول زدن آمده بود و فقط دلتنگی او از نتیجه این ملاقات برای این است که نزد امیر بهادر و سایر درباریهای دیگر بادست تهی خواهد رفت.

(امضا) چارلز مارلینگ

نمره - ۲۲۸

مراسله مستر مارلینگ به سرادواردگری، مورخه ۱۳ ماه اوت

[۲۲ مرداد ۱۲۸۷؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۶]

از قلهک

آقا

در اتمام مراسله ۱۵ ژویه خود افتخار دارم از راپورت اینکه از آن تاریخ به بعد زدو

خورد مابین قشون شاه و متمردين در تبريز تا ۹ اين ماه بدون نتيجه براي هيچ طرف مداومت داشت.

در ۱۵ ماه ژويه [۲۴ تير؛ ۱۶ج ۲] ساكنين محلى كه به تصرف متمردين بود سعى نمودند كه بتوسط قنسولخانه فرانسه تلگرافى به شاه فرستاده اظهار نمايند كه آنها حاضر تسليم هستند ولى فقط ترس آنها از اين است كه قشون دولتى خانه‌هاى آنها را غارت خواهند كرد.

در صبح روز بعد جنگ متروك شده و ريش سفيدان محلات محصوره شروع به مذاكرات براي صلح مابين مأمورين دولتى و متمردين نمودند.

اين مذاكرات بواسطه حر كات مجتهدين معروف شهر منتج نتيجه نگريدند چونكه رؤساي متمردين ماييل بودند كه به شاه تلگراف نموده و طلب عفو نمايند پس از آن خلع سلاح بشوند. هرچند كه رئيس قشون دولتى اعتراض نداشت ولى مجتهدين كه سيم تلگراف به دست آنها بوده قبول ننمودند كه همچو تلگرافى بشود. اين حوادث و حر كات ديگر مجتهدين خيلى باعث تغير اهالى گرديده و مصمم شدند كه هيچ نوع عفو و بخششى را از شاه بدون ضمانت قنسولخانه‌هاى خارجه قبول ننمايند.

در ۱۸ ماه ژويه [۲۷ تير؛ ۱۹ج ۲] مستر استوئس تلگراف نمود كه نظر به اقدامات ژنرال قنسول روس براي برهم زدن انجمن اسلامى مركز مرتجعين و علماء، جنگ متروك و تقريباً تمام شهر در دست اهالى مسلح است و سوارهاى دولتى هم فرار نموده‌اند.

در ۱۸ ماه ژويه يك فوج پياده كه مركب از ۸۰۰ نفر بود بمحض اينكه به تبريز وارد شدند فوراً از هم متفرق شده به خانه‌هاى خود فرار نمودند. در اين ضمن دخالت ژنرال قنسول روس متمر ثمرى نگريدده و متمردين حمله به نقاط قشون دولتى برده و آنها را مقدارى عقب نشانديدند ولى در شب ۲۱ و ۲۲ ماه ژويه [۳۰ و ۳۱ تير؛ ۲۲ و ۲۳ج ۲] پس از اينكه استعداد به قشون شاه رسيد آنها رولوسيونرها را مجبور نمودند كه به نقاط اوليه خود عودت نمايند.

در صبح ۲۳ [ژويه] [يكم امرداد؛ ۲۴ج ۲] هم جنگى شد و هرچند كه رولوسيونرها سخت دچار مشكلات شدند ولى باوجود اين نقاط خود را حفظ نمودند. در اين حمله قشون دولتى يك توپ نه سانتيمترى بكار برده و مقدار زيادى خسارت هم رسانيد.

در ۲۸ ماه [۶ امرداد؛ ۲۹ج ۲] مجلسى از قنسولها و نمايندگان تجار شهر در مى شود و چون توپچيان، چندان ماهر نبودند گمان خطر براي محله عيسويها برده مى شود.

در ۲۸ [۶ امرداد؛ ۲۹ج ۲] ماه مجلسى از قنسولها و نمايندگان تجار شهر در قنسولخانه روس منعقد گرديد. تجار اظهار نمودند كه اهالى بشرط ذيل حاضرند كه اسلحه خود را زمين بگذارند.

اولا شاه بكلى مردم را از تقصيرات پلتيكى عفو نمايد با ضمانت سفارتخانه‌ها. ثانياً برهم زدن انجمن اسلامى. ثالثاً فقط به رحيم خان اجازه داده شود كه با پنجاه سوار در شهر تبريز اقامت نمايد.

قنسولها پیشنهادات مذاکوره را تصویب نموده و اظهار نمودند که خوب است اجازه به رؤسای رولوسیونر داده بشود که بدون هیچ اذیتی از ایران خارج شوند.

در عرض مدتی که این اقدام و اقدامات دیگر برای صلح طرفین می شد جنگ متروک بود ولی چون هیچ طرف نمی توانست ضمانتی از اجرای مواد قرار داد بدهد لهذا در اول ماه اوت [۱۰ مرداد؛ ۳ رجب] جنگ مجدداً شروع گردید.

دولتیهارگ را که همیشه در دست رولوسیونرها بود بمبارده نموده و چند دانه خمپاره هم در محله عیسویها افتاد. در ۲ ماه، رولوسیونرها تمام سیمهای کمپانی تلگراف هند و اروپا را قطع نمودند.

ویس قنسلگری اعلیحضرتی با زحمات زیاد آنها را وادار نمودند که راضی به مرمت سیمها بشوند. آنها تقاضا می نمودند که هیچ تلگرافات دولتی مخابره نشود.

در ۴ ماه اوت [۱۳ مرداد؛ ۶ رجب]، خبر برقراری مشروطیت عثمانی بتوسط ژنرال قنسل عثمانی منتشر گردید. این مطلب طبعاً باعث قوت قلب ملتیان گردیده و اعلانی مشعر بر اینکه اگر تا زمان ورود حکومت با استعداد ترتیب صحیحی داده نشد بهتر این است که سلطان عثمانی را شاه خود قرار بدهیم، در تمام شهر الصاق گردید.

در ۷ ماه اوت [۱۶ مرداد؛ ۹ رجب] قشون شاه سخت مشغول جنگ شدند. جنگ سختی تا مدت سه روز با تفنگ و توپ مداومت داشت. مستر استونس متذکر می سازد که حرکات قشون شاه در تمام این مدت صالحانه نبوده و بی ملاحظه غارت می نمودند.

در ۲ ماه اوت [۱۱ مرداد؛ ۴ رجب] او راپورت داد که تجارتخانه زیگلر و استونس کاغذی به ژنرال قنسلگری نوشته و اظهار امیدواری نمودند که خوب است دولت اعلیحضرتی دولت ایران را مسؤل هر نوع خسارتی که ممکن است بعد از این وارد بیاید می داند چونکه آنها می ترسیدند از اینکه غارتخانهها ممکن است به بازارها هم سرایت نماید. من به این جهت یادداشتی به دولت ایران فرستاده و تقاضا نمودم که اقدامات کافی برای محافظت منافع اتباع انگلیس بعمل آید و در آن یادداشت اظهار نمودم که دولت اعلیحضرتی مجبور خواهد شد که دولت اعلیحضرت شاه را مسؤل هر نوع خسارتی که بواسطه قشون مستخدم دولت ایران وارد می آید قرار دهد.

در ۹ ماه اوت [۱۸ مرداد؛ ۱۱ رجب] جوابی از وزیر امور خارجه برای من رسید مشعر بر اینکه مفاد یادداشت را به صدراعظم ابلاغ داشتم و از ایشان مخصوصاً خواهش نمودم که احکام لازمه برای محافظت تجارتخانهها و اتباع انگلیس بفرستند.

خیلی معلوم نمودن این مطلب مشکل است که تا چه اندازه حوادث مهمه تبریز که پس از کودتای شاه رخ داده مربوط به مقاصد پلنتیکی است، و اگر هم اینطور باشد تا کی این زد و خورد اساساً شکل زد و خورد سیاسی را دارا خواهد بود. من شخصاً گمان می کنم که جنگ بارجمخان بیشتر بواسطه ضدیت شخصی رؤسای ملیین با اوست و همچنین تصور می نمایم که بدون تردید ملتیان حس می نمایند که برای آنها جز جنگ هیچ راه دیگری باقی نیست و اگر آنها بی شرط یا با شرط تسلیم شوند جان و خانواده و مال آنها از دست قشون دولتی که بواسطه

مقاومت طولانی وطن پرستان آذربایجان خشمگین شده‌اند مأمون نخواهد بود احتمال هم برده می‌شود که ترس آنها بی‌اصل نباشد.

نمره - ۲۲۹

تلگراف سر نیکلسن به سرادوار دگری ، مورخه ۳۱ ماه اوت .

[۸ شهریور ۱۲۸۷ ؛ ۳ شعبان ۱۳۲۶]

از پترزبورغ

راجع به تلگراف ۲۲ ماه اوت من

سواد مراسله متحدالمالی که پیشنهاد شده است نمایندگان روس و انگلیس به‌شاه ارسال دارند از قرار ذیل است:

چونکه اعلیحضرت شاه قصد خود را آشکار نموده که به همین زودیه‌ها قواعد جدیدی برای انتخابات آتیه منتشر نماید وزیر مختار روس (شارژ دافر انگلیس) را بر وفق تعلیمات واصله از دولت متبوعه خود و بدون اینکه بهیچوجه مایل دخالت در امورات داخلی ایران باشد عقیده بر این است که برای آرامی مملکت و تجارت و آسایش عموم خیلی مستحسن و بجا خواهد بود که اعلیحضرت شاه در همان موقع اعلان نماید که بهیچوجه در عزم خود برای نگاهداری قوانین اساسی که خود آن اعلیحضرت به مملکت خود عطا نموده تغییر نداده است و مجلس شورای ملی انتخاب شده در ۱۴ ماه نوامبر در طهران منعقد خواهد گردید.

مسیو چریکف به‌من اظهار نمود که شاه در همین ایام اخیر به سفیر روس گفته است که او خیال دارد به همین زودیه‌ها قانونی برای انتخابات جدید منتشر نماید. عقیده کفیل وزارت امور خارجه بر این است که فعلاً بهترین موقعی است که مراسله فوق را نمایندگان انگلیس و روس برای شاه ارسال دارند.

نمره - ۲۳۰

تلگراف مستر مارلینگک به سرادوار دگری ، مورخه ۱ سپتامبر ۱۹۰۸

[۹ شهریور ۱۲۸۷ ؛ ۴ شعبان ۱۳۲۶]

از طهران

ویس قنصل اعلیحضرتی مقیم تبریز تلگرافی را پرت می‌دهد که اولیاء امور در طهران اهمیت اوضاع تبریز را درک ننموده‌اند . رولوسیونرها گوش به هیچ نوع مصالحه نخواهند نمود مگر اینکه مشروطیت برپا ، انتخابات شروع شده ، مجلس دومرتبه منعقد گردد. آنها ابداً اطمینانی به دولت ندارند.

قوای مشروطیین فعلاً ۱۰،۰۰۰ نفر است. دیروز انجمن محلی کمیته‌ای برای تحصیل وجوهات از عیسویان برای کمک در مصارف جاریه انتخاب نمود. به رولوسیونرهای ارمنی

فشار آورده می‌شود که آنها هم اقدامات جدی نمایند. بطور خصوصی به‌مستر استونس اخطار شده است که تنها بیرون نرود چونکه رولوسیونرها تنگ آمده و مصمم شده‌اند که يك خارجی^۱ را مقتول سازند تا اینکه اروپاییها دخالت نمایند.

ویس قنسل اظهار می‌دارد که اگر شاه واقعاً خیال انتخابات را دارد، هرچه زودتر به تبریز مقصد خود را اطلاع بدهد بهتر خواهد بود؛ چونکه طوری رؤسای رولوسیونرها خود را آلوده نموده‌اند که دست برداشتن از زدوخورد حالا خیلی مشکل است. عقیده ویس قنسل بر این است که ممکن است هر دقیقه اروپاییان و عیسویان عموماً خود را در خطر عظیمی مشاهده نمایند چونکه در این دوسه روز اخیر هیجان مردم خیلی بالا گرفته است.

www.adabestanekave.com

نمره ۵ - ۲۳۱

تلگراف سرادواری به سر نیکلسن، مورخه ۲ سپتامبر ۱۹۰۸ [۱۰ شهریور ۱۲۸۷؛ ۵ شعبان ۱۳۲۶]

از وزارت خارجه، لندن

راجع به تلگراف غره این ماه مستر مارلینگ و تلگراف ۳۱ ماه گذشته شما. معلوم است که موقع اقدام رسیده است. خواهش می‌کنم که شما دولت روسیه را فشار بیاورید که به نمایندگی خود در طهران تعلیمات در این باب بفرستند. باید به‌شاه اظهار بشود که دولتین اهمیت زیاد به اوضاع تبریز می‌دهند و دولت ایران را مسؤل هر نوع خسارت وارده به اتباع روس و انگلیس خواهند نمود. باید به شاه فشار آورده شود که حکم انتخابات جدیده نموده مجلس مجدداً منعقد گردد و در تبریز اعلانی عمومی شود که شاه قوانین اساسی را نگاه خواهد داشت. شما خوب است که از دولت روسیه در این خصوص درخواست جواب فوری نمایید.

نمره ۵ - ۲۳۲

تلگراف سر نیکلسن به سرادواری، مورخه ۴ سپتامبر

[۱۲ شهریور؛ ۷ شعبان]

راجع به تلگراف ۱۲ این ماه شما کفیل وزارت امور خارجه به سفیر روسیه در طهران تلگراف نمود که باتفاق شارژدافر عالیحضرتی مراسله برای شاه بفرستند و بعلاوه اخطاری از اهمیت اوضاع تبریز به او نموده شامرا دعوت نمایند که در تبریز تصمیم خود را در نگاهداری قوانین اساسی علنی نماید و شروع به انتخاب نموده مجلس را در ۱۴ نوامبر باز نماید.

(۱) اصل: خارجه .م.

نمره - ۲۳۳

تلگراف مستر مارلینگک به سرادواردگری ، مورخه ۴ سپتامبر [۱۲ شهریور؛ ۷ شعبان]
از وزارت خارجه لندن

خواهش می‌کنم که به تلگراف امروز پترزبورغ مراجعه نمایید.
نظر به تلگراف فوق شما مجاز هستید که باتفاق مسیو هارتویک مراسله‌ای به اعلیحضرت شاه
بفرستید. اقدام مذکور را هرچه زودتر ممکن می‌شود بعمل آرید.

نمره - ۲۳۴

تلگراف سرادواردگری به مستر مارلینگک ، مورخه ۵ سپتامبر

[۱۳ شهریور؛ ۸ شعبان]
از وزارت خارجه، لندن

راجع به مراسله غره ماه اوت شما

دولت اعلیحضرتی حاضر است بمحض اینکه مسیو بیزو موقع را مناسب بداند پیشنهادی که
در ۱۹۰۶ شده بود بموقع اجرا بگذارد، باین معنی که برتانیه عظمی و روسیه مبلغ
۴۰۰،۰۰۰ لیره به دولت ایران به رسم مساعده خواهند پرداخت ولیکن پرداخت این قرضه
منوط به شروط ذیل خواهد بود:

(۱) این قرضه برای قلع و قمع مشروطیت بکار برده نشود، بلکه طوری مصرف شود
که درواقع کمکی برای مشروطیت باشد. این مقصود ممکن است به این ترتیب بعمل
آید که زمان قلیلی معین گردیده شرط بشود که تا آنوقت یا مجلس باید قرضه را تصویب
نماید و یا اینکه اصل وجه از طرف دولت ایران به دولتین مسترد گردد.
(۲) ضمانت مناسبی برای مصارف این قرضه باید داده شود.

دولت اعلیحضرتی ترجیح می‌دهد که قرضه لازم نشود و پیش از اینکه قبول نماید باید
که با دقت تمام شرح شرایطی نماید که مقصود مذکور فوق بعمل آید.
مطالب فوق فقط برای اطلاع شما است.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۳۵

تلگراف مستر مارلینگک به سرادواردگری، مورخه ۶ سپتامبر

[۱۴ شهریور؛ ۹ شعبان]
از طهران

راجع به تلگراف ۴ این ماه شما

(۱) اصل : برتانیه و منظور بریتانیا است. - م.

سفیر روس و من خیال داریم که ترجمه ایرانی مراسله را به شکل یادداشتی برای شاه ارسال داریم چونکه آن اعلیحضرت سه چهار روز است، بواسطه تب ناخوش شده‌اند. ترجمانه‌های ما در روز سه‌شنبه یادداشت مذکور را به اردوی شاه خواهند برد و در صورتی که شاه نتواند آنها را بپذیرد قرار داده خواهد شد که وزیر امور خارجه آنجا حاضر باشد که یادداشت را به او ارائه بدهند.

نمره ۲۳۶

تلگراف سرادواری به مستر مارلینگ ، مورخه ۷ سپتامبر

[۱۵ شهریور؛ ۱۰ شعبان]

از وزارت خارجه لندن

من ترتیبی را که شما در تلگراف دیروز خود در خصوص مکاتبه متحدالمال راجع به اوضاع داخلی ایران پیشنهاد نموده بودید تصویب می‌نمایم.

نمره ۲۳۷

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادواری، مورخه ۸ سپتامبر

[۱۶ شهریور؛ ۱۰ شعبان]

از طهران

راجع به تلگراف ۶ این ماه من

شاه بواسطه کسالت عارضه نتوانستند که صبح ترجمانه‌ها را بپذیرند. باین جهت مراسله متحدالمالی به وزیر امور خارجه در اردوگاه شاه داده شد که تسلیم آن اعلیحضرت نماید.

نمره ۲۳۸

مراسله سرنیکلسن به سرادواری، مورخه غره سپتامبر

[۹ شهریور؛ ۴ شعبان]

از پترزبورغ

آقا

افتخار دارم که سوادى از مراسله متحدالمالی را که دولت روسیه پیشنهاد می‌نماید نمایندگان روس و انگلیس در طهران به شاه ارسال دارند انقاد دارم.

مسیو چریکف به من اظهار نمود که چند روز قبل شاه به مسیو هارت ویک اطلاع داده است که قوانینی برای انتخابات جدید به همین زودیها منتشر خواهد گردید. این اظهار شاه موقع مناسبی را به دست دولتین می‌دهد که به او بفهمانند که بهتر آنست اعلیحضرت

شاه به کلیه قول خود رفتار نموده و مجلس را باز نماید و بگمان ایشان بهتر آن است که منتظر ورود سربار کلی نشده ترتیب و موقع فرستادن مراسله مذکور به مسیو هارتویک و مستر مارلینگ و گذار بشود.

من به مسیو چریکف گفتم که مضمون مراسله را به شما تلگراف نموده و ایشان را از عقیده شما مستحضر خواهم نمود.

(امضا) نیکلسن

سواد مراسله متحدالمالی است که نمایندگان انگلیس و روس در طهران به شاه تسلیم خواهند نمود، در ۳۱ ماه اوت ۱۹۰۸ [۸ شهریور ۱۲۸۷؛ ۳ شعبان ۱۳۲۶] از طرف مسیو چریکف برای سرنیکلسن ارسال گردیده است.

چون اعلیحضرت شاه قصد خود را آشکار نموده اند که به همین زودی قوانین جدید انتخابات را که به همین نزدیکی بعمل خواهد آمد انتشار دهند سفیر روس (شارژ دافر انگلیس) بروفق تعلیمات دولت متبوعه خود بدون اینکه مایل به دخالت در امور داخله ایران باشیم نظر به مصالح آزادی مملکت و تجارت و آسایش عمومی خیلی مطلوب و بموقع خواهد بود که اعلیحضرت شاه اعلان نمایند که تصمیم خودشان راجع به استقرار این اساس که به مملکت خود داده تغییر ناپذیر بوده و مجلسی که فعلا در صدد انتخاب اعضای آن هستند روز غره ماه نوامبر (۱۴) [۹ آبان؛ ۶ شوال] امسال انعقاد خواهد یافت.

نمره - ۲۳۹

مراسله سرنیکلسن به سرادوردگری، مورخه ۴ سپتامبر

[۱۲ شهریور؛ ۷ شعبان]

از سن پترزبورغ

آقا

من مضمون تلگراف ۲ ماه جاری شما را برای مسیو چریکف ارسال داشته اینک افتخار دارم جوابی که از ایشان برای من رسیده لفا ارسال دارم.

(امضا) نیکلسن

ملفوف در نمره ۲۳۹

مراسله مسیو چریکف به سرنیکلسن

جناب سفیر کبیر، در جواب مراسله امروز شما تعجیل نموده شما را مطلع می سازم که بر وفق نظریات دولت انگلیس من اکنون بتوسط تلگراف از مسیوهارتویک خواهش نمودم که باتفاق مستر مارلینگ مراسله مقرر راجع به افتتاح مجلس را برای شاه ارسال دارند.

بتوسط همین تلگراف به سفیر ما در طهران دستورالعمل فرستاده شده که باتفاق مستر

مارلینگک عبارت ذیل را به مراسله مذکور اضافه نمایند:

دولتین روس و انگلیس اهمیت فوق‌العاده به اوضاع تبریز داده و دولت ایران را مسئول هر نوع خسارت وارده بر اتباع روس و انگلیس خواهند شناخت. برای آرام نمودن اهالی شهر مذکور از شاه دعوت می‌شود که اعلانی در تبریز منتشر نموده مبنی بر اینکه مقصود آن اعلیحضرت این است که از قوانین اساسی نگاهداری شده، انتخابات شروع شود و در ۱۴ ماه نوامبر [۲۲ آبان؛ ۱۹ شوال] مجلس را باز خواهد نمود.
(امضا) چریکف

نمره - ۲۴۰

تلگراف مستر مارلینگک به سرادواردگری، مورخه ۱۹ سپتامبر

[۲۷ شهریور؛ ۲۲ شعبان]

از طهران

راجع به تلگراف ۸ این‌ماه من

مراسله متحدالمال روس و انگلیس به شاه

دیشب وزیر امور خارجه جواب شاه را برای من فرستاد. مضمون آن از قرار ذیل است: من مشغول اقدامات برای تشکیل مجلس هستم که موافق مقتضیات مملکتی و مذهبی بوده و شکلی نباشد که مجدداً باعث انقلابات گردد و به این ترتیب من بقول خود رفتار خواهم نمود.

من امیدوارم که بتوانم اعلانی برای انعقاد مجلس در روزی که دولتین در مراسله خود ذکری نموده بودند صادر نمایم ولی تا زمانی که نظم در تبریز برقرار نگردد تا اینکه دولت ایران بتواند بطور راحت بعضی ترتیبات لازمه را بدهد مجلس یاز نخواهد شد.

مسیو هارت‌ویک به من اطلاع می‌دهد که مذاکرات در تبریز در جریان است و جنگ متروک شده خبر تازه برای خود من هنوز نرسیده است. نظر به اینکه باوجود نصیحت دولتین به شاه که رفتار خود را نسبت به تبریز مصلحانه نماید آن اعلیحضرت باز هم اجازه به اکراد ماکو داده است که حمله به شهر بیاورند، جواب شاه به نظر من مخصوصاً بطور دلخواه نیست. بعلاوه آن اعلیحضرت بهیچوجه اطمینان نمی‌دهد که قوانین اساسی را نگاه خواهد داشت.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۴۱

تلگراف مستر مارلینگک به سرادواردگری، مورخه ۲۱ سپتامبر

[۲۹ شهریور؛ ۲۴ شعبان]

از طهران

راجع به تلگراف ۱۹ این‌ماه من

شاه و مشروطیت

مسیو هارتویک به من اطلاع می‌دهد که به عقیده ایشان جواب شاه نامساعد بوده و یک اخطار سختی به آن اعلیحضرت خواهد نمود و بعلاوه نصیحت به ایشان خواهد کرد که خوب است فوراً دستخط قانون انتخابات را منتشر نمایند. من نظر به آثار و علائم نارضایتی عامه که روز افزون است در این مسئله با مسیو هارتویک هم‌رأی شدم که اصلح آن است شاه این کار را بکند مشروط بر اینکه این اقدام باعث تعویق انعقاد مجلس برای مدت غیر معینی نشود.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۴۲

تلگراف سر ادوارد گری به سرنیکلسن ، مورخه ۲۱ سپتامبر

[۲۹ شهریور؛ ۲۴ شعبان]

از وزارت خارجه، لندن

شاه و مشروطیت

خواهش می‌کنم که رجوع به تلگراف ۱۹ این ماه از طهران بنمایید. بعقیده من ، جواب شاه ابدأ بطور دلخواه نیست . ابدأ ذکر در آن جواب نشده است که نگاهداری از قوانین اساسی خواهد شد . شما خوب است که اطلاع حاصل نمایید که چه اقدامات دیگری دولت روسیه برای رسیدن به مقصود مطلوبه حاضر است بنماید.

نمره - ۲۴۳

تلگراف سرنیکلسن به سر ادوارد گری، مورخه ۲۲ سپتامبر

[۳۰ شهریور؛ ۲۵ شعبان]

از پترز بورغ

راجع به تلگراف دیروز شما

مشروطیت ایران

کفیل وزارت امور خارجه به من اطلاع می‌دهد که سفیر روس در طهران، بعلاوه جواب کتبی شاه ، اطمینانات شفاهی به او داده است که بطوریکه نمایندگان روس و انگلیس به او نصیحت نموده‌اند او به قول خود رفتار خواهد نمود. مسیو چریکف گمان می‌کند که شاه محض حفظ شئونات خود و همچنین محض اینکه مردم تصور نکنند که او به نصیحت و فشار خارجه تسلیم شده است ترجیح داده است که اطمینانات خود را شفاهاً اظهار نموده نوشته ندهد. ایشان (چریکف) پیشنهاد می‌نماید که باین جهت خوب است ما چند روزی به او (شاه) مهلت بدهیم اگر به اطمینانات شفاهی خود عمل نمود آنوقت فشار دیگری خواهیم آورد.

نمره - ۲۴۴

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادواردگری ، مورخه ۲۳ سپتامبر

[۳۱ شهریور؛ ۲۶ شعبان]

از طهران

شاه و مشروطیت

شاه به مسیوهارتویک نیمه قولی داده است که فوراً اعلانی صادر خواهد کردید که در ۲۷ ماه اکتبر انتخابات شروع شده و در (۱۴) نوامبر مجلس منعقد گردد. وزیر امور خارجه که امروز برای ملاقات من آمده بوده به همین نحو به من اظهار نموده که آیا این پیشنهاد را من تصویب و همراهی می‌نمایم یا خیر. وزیر امور خارجه به من اظهار نمود که شاه مایل بملاقات من است. به این جهت قرار ملاقات آن اعلیحضرت به فردا گذارده شد.

نمره - ۲۴۵

تلگراف سر ادواردگری به سر نیکلسن ، مورخه ۲۳ سپتامبر

[۳۱ شهریور؛ ۲۶ شعبان]

از وزارت خارجه لندن

شاه و مشروطیت

راجع به تلگراف دیروز شما

ما به پیشنهاد در تعویق انداختن اقدامات موافق هستیم.

نمره - ۲۴۶

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادواردگری ، مورخه ۲۴ سپتامبر

[یکم مهر؛ ۲۷ شعبان]

از طهران

شاه و مشروطیت

راجع به تلگراف دیروز من

ملاقات امروز صبح من با شاه خیلی دوستانه بود. اعلیحضرت شاه خیلی اظهار میل برای اصلاحات در امور و مخصوصاً در مالیه نمودند. آن اعلیحضرت به من قول داد که اعلان قانون انتخابات جدید امروز بطبع خواهد رسید.

نمره - ۲۴۷

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری، مورخه ۲۵ سپتامبر

[۲ مهر؛ ۲۸ شعبان]

از طهران

اوضاع در تبریز

فرمانفرمای آذربایجان ۴۸ ساعت به رولوسیونرهای شهر مهلت داد که اگر بعد از آن تسلیم نشوند شهر را بمبارده خواهد نمود. این مدت مهلت در موقع طلوع آفتاب در روز ۲۴ این ماه [یکم مهر ۱۲۸۷؛ ۲۷ شعبان ۱۳۲۶] منقضی گردید سپس در عصر آن روز بمباردمان شهر شروع گردید.

من یادداشتی به دولت ایران فرستاده‌م شعر براینکه در صورتی که خسارتی به اتباع انگلیس وارد شود دولت مسؤل آن خواهد بود.

نمره - ۲۴۸

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری، مورخه ۲۶ سپتامبر

[۳ مهر؛ ۲۹ شعبان]

از طهران

ویس قنسول تبریز را پورت می‌دهد که دولتیان دیروز با ۵ عراده توپ نقاط ملتیان را بمبارده نموده کلیه سوارهای ماکوئی هم در این حملات شرکت داشته ملتیان نقاط خود را نگاه داشته و با ۴ عراده توپ بشدت جواب آتش دولتیان را دادند.

نمره - ۲۴۹

مراسله مستر مارلینگ به سرادواردگری، مورخه ۱۰ سپتامبر

از قلهک ۱۸ شهریور؛ ۲ شعبان]

آقا

افتخار دارم که مجملی از حوادث ماهیانه از ۳۰ ماه اوت لغایت ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸ [۱۸ - ۷ شهریور ۱۲۸۷؛ ۱۳ - ۲ شعبان ۱۳۲۶] بطور معمول ایفاد دارم.

(امضا) چارلز مارلینگ

ملفوف در نمره ۲۴۹

حوادث ماهیانه

اصفهان

در روز آخر ماه ژویه دو پست را در راه شیراز سرقت نمودند. سارقین راههای کرمان به یزد و اصفهان را مسدود نموده و عبور و مرور پست به عهده تعویق می‌افتد.

در ۳۰ ماه ژویه [۸ مرداد؛ یکم رجب] دزدان به نایب‌الحکومه کرمان در بین راه

حمله نموده و او را غارت کردند. چونکه جمعیتی از ایرانیان مزاحم و دخالت به کارهای معلمین مدرسه دعاة می نمودند دکتر اکتور چهار نفر از مستحفظین قنصلخانه به مدرسه فرستاده رفع زحمت آنها را نمودند.

هرچند که اخبار مشروطیت در عثمانی و تلگرافات علمای نجف و کربلا در تقویت مشروطیت ایران علمای اینجا را ترغیب نموده که به کارهای نایب‌الحکومه قدری دخالت نمایند ولی ضدیت جدی به اوضاع کنونی هویدا نیست.

یزد

حکومت مالیات جدیدی که در دوماه قبل باعث هیجان شده بود جمع آوری می نماید. به قوه قهریه از مخالفت مردم جلوگیری شده و سربازهای حکومت چندین نفر از اشخاصی را که می خواستند علیه مالیات مذکور تحصن اختیار نمایند کتک سختی زدند.

کرمان

در بعضی از نقاط ایالت کرمان از قبیل روبار و جیرفت و رودبار هیجانی برای مشروطیت ظاهر شده است. قشون برای جلوگیری فرستاده شده است.

شیراز

پس از حرکت ظل السلطان، شهر شیراز و ایالت فارس فوراً به حال انقلاب عودت نموده سرقت پست مکرر می شود و از قرار معلوم ایلات بهیچوجه اطاعت از کسی ندارند.

خلیج فارس

بوشهر

پس از مراجعت ظل السلطان اغتشاش در فارس شروع شده در بین راه شیراز مابین رؤسای کنار تخت [= کنار تخته] و کمارج و همچنین مابین رؤسای کمارج و کازرون جنگ در گرفته است.

حکومت سربازهای قدیم را که سابقاً در بوشهر و سایر بنادر فارس ساخلو بودند خارج نموده و در عوض آنها چریک محلی جمع نموده است.

بندر عباس

اقتدار نظام به نایب‌الحکومگی منصوب گردیده است و در ۲۸ ماه ژویه [۶ مرداد؛ ۲۹ ج ۲] مشغول کار خود گردید.

محمره

سیف الدوله به حکومت عربستان [= خوزستان] معین گردیده است. اهالی هویزه اسباب زحمت شده اند. سردار ارفع خیال دارد که در پاییز آینده سرکوبی

کاملی از آنها بنماید.

مایین اهواز و رامهرمز کاروان کمپانی لنج [=لینچ] که اغلب اموال خوانین بختیاری بوده بسرقت برده شد.

نمره - ۲۵۰

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواری (واصله ۲۸ سپتامبر)

قلهك ، ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸

[۱۸ شهریور ۱۲۸۷؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۶]

آقا

تلگراف چهارم سپتامبر شما حاوی تعلیمات اینکه سفیر روس و من بلا تأخیر متفقاً به شاه پیشنهاد نموده از آن اعلیحضرت درخواست نمایم که پارلمان جدید را برای غره ماه (۱۴) نوامبر مفتوح نماید و به او اصرار نمایم که نظر به مصالح امنیت عمومی خوب است قصاد افتتاح آنرا به اهالی تبریز اعلام نماید ، امروز صبح پنجم شهر جاری واصل گردید. چون این تلگراف روز شنبه رسید و در این روز مسیو دوهارت و یک همیشه مخصوصاً مشغول حرکت دادن قاصد هفتگی خود می باشد من به این قناعت کردم که آن روز بعد از ظهر او را از مضمون تعلیمات شما مستحضر داشته و فردا صبح آن روز او را ملاقات کرده طریق پیشنهاد کردن مقصود خود را با او مذاکره نمایم.

مسیو دوهارت و یک اظهار داشت تصور می کنم مقصود این باشد که این پیشنهاد را باید کتباً توسط وزیر امور خارجه نمود. من در جواب اظهار داشتم آن طوری که بر من مفهوم است این پیشنهاد باید مستقیماً به شاه بشود و تصور می کنم ما باید درخواست شرفیابی حضور اعلیحضرت را بنمایم. سفیر مزبور مرا متذکر نمود که چون شاه بعلت تب چند روزی است از اندرون بیرون نیامده اند خیلی احتمال می رود که آن اعلیحضرت نتواند ما را حضور دهد و شاید بهتر آن باشد که منشی های السنه شرقی سفارتین را به باغ شاه فرستاده مراسله ما را در این خصوص به او برسانند. من این را قبول کردم چرا که ظاهراً سهل بود که بعلت عدم صحت مزاج شاه شرفیابی ما به تأخیر انداخته شود. بنابراین اینطور قرار شد که مکتوب مزبور را به فارسی ترجمه نموده و سواد آنرا مسیو دوهارت و یک و من امضا کرده و توسط مسیو بارانوسکی و مستر چرچیل صبح روز هشتم شهر جاری به شاه تقدیم نمایم و در صورتیکه آن اعلیحضرت نتواند آنها را حضور دهد از علاءالسلطنه استدعا شود که آنجا حضور پیدا کرده نوشته مزبور را به او بپارند که به شاه رسانیده شود.

غروب هفتم شهر جاری یادداشتی از وزیر امور خارجه برای من رسید به این مضمون که بواسطه کسالت شاه نتوانسته است که از مترجمین مذکور پذیرایی نماید و مستر چرچیل و مسیو بارانوسکی به ورود خود به باغ شاه یادداشت های متحدالمآل را به وزیر امور خارجه داده اند که به آن اعلیحضرت تقدیم نماید.

(اعضاء) چارلز مارلینگ

سواد مراسله مذکور در جوف است

ملفوف نمره ۲۵۰

یادداشت متحدالمآل که توسط منشیهای السنه شرقی انگلیس و روس به شاه تقدیم شده در تاریخ ۸ سپتامبر ۱۹۰۸ [۱۶ شهریور ۱۲۸۷؛ ۱۱ شعبان ۱۳۲۶]

چون اعلیحضرت شاه قصد خود را آشکار نموده‌اند که به همین زودی قوانین جدید انتخابات را که به‌همین نزدیکی بعمل خواهد آمد انتشار دهند شارژدافر انگلیس بروفق تعلیمات دولت متبوعه خود و بدون اینکه بهیچوجه مایل به دخالت در امور داخله ایران باشیم افتخار دارد به اینکه خاطر نشان نماید که نظریه مصالح آرامی مملکت و تجارت و آسایش عمومی خیلی مطلوب و بموقع خواهد بود که اعلیحضرت شاه اعلان نمایند که تصمیم خود راجع به استقرار مشروطیتی که به مملکت خود داده تغییر ناپذیر بوده و مجلسی که فعلاً در صدانتخاب اعضای آن هستند روز غره ماه نوامبر (۱۴) امسال انعقاد خواهد یافت (مطابق ۱۹ شوال)'.
شارژدافر اعلیحضرتی بعلاوه تعلیم دارد که جلب دقت جدی آن اعلیحضرت را به اهمیت موقع تبریز نموده و آن اعلیحضرت را متنبه سازد که مسؤلیت تأمین تبعه انگلیس مقیم آن شهر برعهده دولت ایران خواهد بود. نظر به این جهات او صلاح می‌داند که آن اعلیحضرت قصد خود را در شروع به انتخابات جدید و افتتاح پارلمان در غره ماه نوامبر (۱۴) به تبریز مخابره کرده عموم اهالی را از آن مستحضر دارد.

(امضاء) چارلز مارلینگ

نمره ۲۵۱

مکتوب مستر مارلینگ به سرادوارگری (واصله ۲۸ سپتامبر)

قلهك ، ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸

[۱۸ شهریور ۱۲۸۷؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۶]

آقا

در تعقیب مراسله ۱۳ ماه گذشته خود افتخاراً راپورت می‌دهیم که پس از جنگ سختی که در ۷ ماه اوت و دو روز متعاقب آن در تبریز بوقوع پیوست مخاصمات آشکارتا روز ششم شهر جاری از نو شروع نشد، اگر چه در مخالفت دسته ملیین برضد هیئت حکومت نقصانی روی نداده و مساعی تجار معتبر شهر و فرمانفرمای آذربایجان و اخیراً ویس قنسول اعلیحضرتی برای رفع اشکالات موقع بطور مسالمت بی‌ثمر و بی‌نتیجه ماند.
روز ۱۵ اوت هیئتی از طرف فرمانفرما به قصد رسیدگی به اوضاع امور و راپورت دادن آن به فرمانفرما به تبریز وارد گردیدند. خود فرمانفرما هم به اتفاق سپهسالار قشونی روز ۲۰ شهر ماضی به آنجا ورود نمودند.

در ۲۳ شهر گذشته انجمن محلی عریضه به آنجناب تقدیم نموده تقاضای خود را عرضه داشتند. مختصر تقاضاهای آنها از این قرار بود که تا زمانی که شاه مشروطیت را برقرار

دارد آنها خود را رعایای فرمانبردار شاه خواهند دانست ولی تا پارلمان مفتوح نگردیده و اعضای آنرا باز نخواهند، از خود خلع اسلحه نخواهند نمود. دیگر آنکه سرکردگان طرفدار شاه که در يك نقطه شهر مسکون می باشند دستگیر شده و پس از محاکمه مجازات شوند و امور ایالت آذربایجان در تحت نظارت محلی تبریز باشد تا آنکه مجلس افتتاح شود. آنجناب وعده فرمودند که این تقاضاها را به استحضار شاه برسانند.

در اواخر ماه چون از اولیاء امور طهران جوابی نرسید نقار بین طرفین بطور محسوس کسب شدت نموده و ملیین از استماع هرگونه شرایط صلح امتناع ورزیدند مگر آنکه مشروطیت ضمانت شده و امر به انتخابات داده شود و پارلمان منعقد گردد. عده قشون ملیین در این موقع به ده هزار نفر می رسید و مساعی به عمل می آمد که از رولوسیونرهای ارامنه هم جزو قشون بشوند. انجمن محلی کمیته ای تشکیل داد که از تمام مسیحیان برای مصارف مداومت دادن این زد و خورد وجوهات بطور مساعدت وصول نمایند و به ویس قنصل اعلیحضرتی اعلام شد که چون رولوسیونرها تصمیم نموده بودند بواسطه قتل يك نفر اجنبی یا یکی از مسیحیان دول خارجه را مجبور به مداخله نمایند از منازل خود تنها به خارج نروند. تعیین این مسئله که آیا درواقع آنها قصد انجام این تهدید را داشتند اشکال دارد ولی کمی می توان شك داشت از اینکه هیجان اهالی شهر در این موقع بسیار کسب شدت نموده و ممکن بود که جان اروپاییان و مسیحیان در هر دقیقه در معرض خطر باشد.

روز دوم شهر جاری ویس قنصل اعلیحضرتی بنا بر خواهش تجار معتبر اقلیت شهر تقاضاهای آنها را به فرمانفرما عرضه داشته و او اگر چه بسیار مشتاق اعاده نظم بود از قبول تقاضای آنها سر باز زد مگر آنکه وثیقه به او داده شود که اهالی اسلحه های خود را به زمین گذارند و اقلاً بعضی از شرایط او را قبول نمایند و اظهار میل نمود به اینکه رؤسای آنها را ملاقات نماید و شفاهاً امنیت جانی کلیه اشخاصی را که نزد او می رفتند در حضور مستر استونز [استونس] ضمانت نمود و بعلاوه مستر استونز را دعوت کرد که در صورتیکه بخواهند به همراهی آنها نزد او بیاید.

تجار از رفتن به ملاقات فرمانفرما بی میل بودند و از احساسات متغیرانه اهالی دریم، ولی راضی شدند که آن حضرت اشرف را در محل بیطرفی ملاقات نمایند.

مستر استونز به ترتیب چنین ملاقاتی به این شرایط موفق گردید و اینطور تصمیم شد که هیئتی از طرف اهالی برای مذاکرات به ملاقات فرمانفرما بروند. در عرض مدت این مذاکرات و قرار مدارها رولوسیونرها از هر قسم اعمال شورش کارانه احتراز نمودند ولی در عصر پنجم ماه بعضی از سواران دولتی داخل کاروانسرای بزرگی شده و دکانین تجاری که در محله ملیین سکونت داشتند غارت نمودند. این اقدام از طرف قشون دولتی طبعاً در میان رولو سیونرها تهییج خشم بی اندازه نموده و دلیل عدم امکان اعتماد بر حسن نیت مأمورین محلی تصور گردید. علیهذا جنگ در هفتم ماه شروع شد.

(امضاء) چارلز مارلینگ

نمره - ۲۵۲

مکتوب مستر مارلینگ به سرادوردگری (واصله ۲۸ سپتامبر)

قلهك ، ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸

[۱۸ شهریور ۱۲۸۷؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۶]

آقا

افتخاراً راپورت می‌دهم که از چندی به این طرف چندین نفر در قنصلخانه اعلیحضرتی در شیراز پناهنده شده‌اند. این اشخاص که اول آنها حسین پسر نایب‌الصدر برادرزاده حاجی علی آقا رئیس انجمن اسلامی شیراز باشد که در ۲۲ ژوئیت [۳۱ تیر؛ ۲۲ ج ۲] به قنصلخانه پناهنده شد. بواسطه اقدامی که سردار فیروز نایب‌الحکومه که تا ورود آصف‌الدوله فرمانفرما کفالت امور ایالت به عهده او مفوض است در مورد او نمود ناچار به بست اختیار نمودن شده‌اند. میرزا کاظم‌خان برادر معتمد دیوان مرحوم کمی پس از حسین وارد آنجا شد. این اشخاص اظهار داشتند که باوجود اعلان عفوعمومی که شاه در مورد تمام مجرمین پلتیکی صادر نموده می‌ترسیدند سردار فیروز اقدامی علیه آنها بنماید و کاظم‌خان، پس از آنکه نایب‌الحکومه به او وعده داد که در صورت تأدیة یکهزار و هفتصد تومان به رسم رشوه و چند اسب که قیمت آن معادل دوهزار تومان بشود، [۰۰۰] به دست سواران قوام سپرده شد که از شیراز تبعیدش نمایند و از دست سواران مذکور گریخته خود را به قنصلخانه انداخته است.

پناهندگان دیگر هم در عرض ماه آگست [اوت] ورود نمودند ولی بعضی از آنها که پسر نایب‌الصدر هم جزو آنها بود راغب به خروج شدند.

امر کاظم‌خان پیش از همه سخت بود برای آنکه در مدت توقف او در قنصلخانه بر حسب امر نایب‌الحکومه خانه او را غارت نموده اموال او را چپاول نمودند.

نظر به وضع عدم امنیت فعلی تمام ایالت و عدم کلی اطمینان بر تضمینات نایب‌الحکومه، امکان ندارد طوری نمود که کاظم‌خان به مأمورین محلی اطمینان کند و حالاً می‌خواهد از راه بوشهر از ایران خارج شود و از اینجا تا آن محل را به همراهی مازور کاکس که به آنجا مراجعت خواهد کرد می‌رود.

واضح است که تا زمانی که نایب‌الحکومه که شخص وحشی بداخلاقی است در شیراز متوقف است هیچ موقعی را از دست نخواهد داد که بواسطه تهدید و غارت اشخاصی که از روی دلیل تصور می‌کنند عقاید پلتیکی آنها ممکن است ایشان را در خطر اندازد کیسه خود را پر نمایند.

من مکرراً دولت ایران را از وخامت تأثیرات حضور چنین مأمور غیر محتاط بی کفایت، مثل سردار فیروز، که این صفات مذمومه را در مدت کفالت امور این ایالت بشبوت رسانیده مستحضر داشته و بطور سخت اصرار نموده‌ام که او را معزول نموده و آصف‌الدوله حتی الامکان بلا تأخیر به مقر خود فرستاده شود. باوجود اطمینانات وزیر امور خارجه، آصف‌الدوله اگر چه برای شیراز حرکت کرده و در راه است هنوز به مقر خود ورود ننموده است.

(۱) از این عبارت کلمه «سپس» حذف شد. م.

نمره - ۲۵۳

مکتوب مستر مارلینگ به سر ادواردگری (واصله ۲۸ سپتامبر)

قلهك ، ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸

[۱۸ شهریور ۱۲۸۷ ؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۶]

آقا

افتخاراً وصول تلگراف پنجم شهر جاری شما را اطلاع می‌دهم که در آن شما لطفاً مرا اطلاع داده بودید که دولت اعلیحضرتی به چه ترتیب و در تحت چه نوع شرایط (چنانچه در سال ۱۹۰۶ در مدنظر گرفته بودند) مایل خواهند بود که با دولت روس متفقاً معادل چهارصد هزار لیرا [= لیره] بطور مساعد به دولت ایران بدهند. می‌ترسم خیلی کم احتمال برود که وضعیت مستشار مالیه اقتضا نماید که در همین نزدیکی چنین مساعدی را تصویب کند.

قریب دو ماه قبل، هنگامی که در باب امکان حصول مساعدی از دولت بریتانیای عظمی و روسیه مذاکره در میان بود ناصحین شاه که خیال بدست آوردن مبلغ معتدابه [= معتنی به] در اذهانشان قوت گرفته بود حاضر بودند وعده دهند که هرگونه شرایطی که مقرر شود معمول دارند به این عقیده که هر وقت بخواهند می‌توانند آن شرایط را رد نمایند و حتی وانمود کردند که می‌خواهند اصلاحاتی را که مسیو بیزو پیشنهاد نموده بود به انجام رسانند و به این مقصود کمیته‌ای را که مایل بود برای نظارت وزارت مالیه ایجاد نماید تعیین نموده چندین جلسه هم برای مذاکرات نشسته و اوامر صادر شد - اگر چه اجرانگردید - که هر يك از ادارات بودجه مصارف سالیانه خود را تهیه نموده و عرضه دارد ولی بهیچوجه من الوجوه قصد این را نداشتند که دستشان از خزانه کوتاه شود و علیهذا به اقدام آخری برای تعیین خزانه‌داری که مستقیماً در تحت امر و کنترل وزیر مالیه باشد فعلیت داده نشد و برعکس ، خزانه‌دار جدیدی که ناصر السلطنه بداخلاق مشهور باشد تعیین گردید و از زمان تعیین او ائتلاف و دزدی و تقلب در وجوهات دولتی که به دست او می‌رسد با سهولت روزافزون در کار است. مسیو بیزو که در ابتدای امر ، اعمال ریاکارانه دولت او را تشویق به امید انجام رفورم نمود الحال بکلی از امیداینکه بتواند در تحت اوضاع موجوده کاری صورت بدهد مأیوس است. در غره شهر جاری به حضور شاه مشرف گردیده و مقصودش از این ملاقات این بود که به آن اعلیحضرت بنمایاند به چه نحو در عایدات مملکت تقاب و ائتلاف می‌شود ولی شاه بطور سرد او را پذیرایی نموده و در حق او اظهار ملاحظت نموده و او هم انجام مقصود خود را بی‌فایده تصور نمود.

گمان می‌کنم مسیو بیزو اشکالی نخواهد داشت در اینکه صورت وجوهاتی را که لزوماً باید از خزانه دریافت شود ارائه نماید - از قبیل حقوق عقب‌افتاده نمایندگان دیپلوماسی و قنسولات ایران مقیم ممالک خارجه و مأمورین وزارت خارجه - ولی تصور می‌کنم تازمانی که هیئت حالیه در تحت امیر بهادر جنگ بر سر کار بوده دارای اقتدار می‌باشند خوب است ما حتی از این معاونت هم امتناع ورزیم چرا که در صورتی که از این راه

همراهی کنیم در وجوهات جزوی که امروزه برای مصارف لازمه دولتی کنار گذارده شده تقلب خواهد شد. در تحت این اوضاع گمان می‌کنم مقتضای منافع حقیقی ایران این خواهد بود که ما از هرگونه کمک مالی به آن دولت امتناع ورزیم. تا زمانی که احتمال جلب پول از داخله مملکت می‌رود غارتگران اطراف شاه با هرگونه رفورمی مقاومت خواهند نمود. حالا خواه آن رفورم یکی از شروط قرضه باشد یا آنکه توسط مجلس باشد و به نظر من هیچ راهی برای مایوس نمودن آنها تصور نمی‌شود مگر آنکه ابواب هرگونه منابع عایداتی که می‌توانند غارت نمایند بر روی آنها مسدود گردد. اما در باب دو شرایطی که در تلگراف خود شرح داده بودید از قراین چنان ظاهر می‌گردد که شاه قبل از آنکه مستشار مالیه بتواند توصیه اخذ مساعده نماید مجبوره افتتاح پارلمان خواهد گردید و تصور می‌کنم که هرگاه در موقع مذاکره دریافت این مساعده مجلس منعقد باشد دولت اعلیحضرتی انعقاد مجلس را ضمانت کافی نخواهد دید که وجوهات این قرضه برای قلع و قمع مشروطیت صرف نخواهد شد و همیشه امکان حدوث این مسئله را باید در مدنظر داشت که ممکن است مجلس جدید از طرف شاه چنان بدقت انتخاب گردیده یا آنکه مؤثراً تخویف شده باشد که حتی از حیات خود هم نتواند دفاع نماید. از شرط دیگر که وثیقه‌های بقاعده دیگر را برای کنترل مصرف پول مستلزم می‌داریم ممکن است برای توسعه اختیارات مستشار مالیه استفاده شود. سفارتین وسایل مؤثری برای فعلیت دادن به کنترولی که بنا بود در مورد مساعده ۱۹۰۶ بعمل آید در دست ندارند ولی هرگاه به آنها تعلیمات برسد که اصرار داشته براینکه نظارت لازمه به مسیو بیزو واگذار شود در موقع ایشان يك نوع نفوذ و اقتداری که فعلاً معدوم است ایجاد خواهد شد.

(امضا) چارلز مارلینگ

نمره ۲۵۴

مکتوب مستر مارلینگ به سردواری . (واصله ۲۸ سپتامبر)

قلهك، ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸

[۱۸ شهریور ۱۲۸۷؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۶]

آقا

در اوضاع عمومی ایران چندان تغییر ظاهری در عرض ماه گذشته پیدا نشده که قابل ذکر باشد. گرفتاریهای تبریز هنوز دوام دارد و ظاهراً امید زیادی نمی‌رود که ورود عین الدوله فرمانفرمای جدید، به‌راهی قشون امدادی در تحت سپهدار حل آن را سهلتر نموده باشد و اگر چه در موقعی که مذاکرات صلح در میان بود بقرار يك ماه جنگ موقوف بود مجدداً در تاریخ ۶ شهر جاری بعلت يك اقدام بسیار بی‌موقع که توسط عساکر دولتی از روی عدم اعتماد بعمل آمد مخاصات شروع گردید. مرا عقیده براین است که اسکات

هیجان ملی تبریز به قوه قهریه از قوه شاه خارج است. اوضاع امور پایتخت کما فی السابق در نقاط مغشوش مملکت انعکاس یافته و طرق اطراف شیراز و مابین یزد و اصفهان را سارقین اشغال نموده اند و در کرمان یکی از یاغیان آن محل موسوم به رفعت نظام در فهرج که در یکطرف بیابان است علم طغیان برافراشته و با قدری اشکال منکوب گردید و همراهان طرفین نواحی اطراف را الی بم غارت نموده خسارات وارد آوردند؛ و میجر [ماژور] استوکس راپورت می دهد که یک دسته قوای سارقین ترکمن در جاجرم در شمال میاندشت که در عرض راه طهران الی مشهد واقع است بوده اند. از جهات دیگر اوضاع مملکت بطریق معمول است ولی غیر معلومی امورات در آینده باعث نقصان تجارت از راه بوشهر شده و بواسطه این نقصان در عایدات گمرکی هم تخفیفی حاصل شده است. بغیر از تبریز در هیچیک از ایالات و ولایات آثار هیجان در میان ملیین هویدا نیست و از قراری که ظاهر است مملکت رویهمرفته مهمومانه با این اوضاع امور ساخته است و استحضار عموم از ابراز نفرت رؤسای روحانی شیعه مقیم نجف علیه کودتای شاه تأثیرینی تاکنون ظاهر نساخته است.

در طهران سکون و آرامی تام حکمفرما بوده و تفتیش خانه ها و اذیت و آزار جزئی که به مردم می شد و اکنون قدری موقوف شده تا اندازه ای باعث اعاده اطمینان گردیده است. در بعضی جاها بعضی از سرکردگان بی ترس ملیین دوباره شروع به داشتن اجلاسات سری نموده و چند تن از سران احزابی که در طهران باقی مانده اند گاه گاهی در خانه صنیع الدوله اجتماع می نمایند ولی شك می رود از اینکه در ضمن مذاکرات [آنها] چندان به امور پلتیکی اهمیت داده شود چرا که شاه مخالف اجتماعات بوده و کارگزاران او وقوع آنرا بدقت مواظب می باشند. نظریات در خصوص تغییراتی که از قرار مذکور شاه می خواهد در قانون اساسی و قانون انتخابات بدهد بسیار است ولی بغیر از تشکیل یک شورای مملکتی که از اختیارات و کیفیات آن ظاهراً کسی هیچگونه اطلاع قطعی ندارد و چنانچه معلوم است آشکار گردیده، همه چیز دیگر در پرده خفا مستور است. مسیود و هارتویک اظهار می دارد که قرار است مجلس سنا که بر حسب قوانین اساسی [باید] تأسیس گردد مفتوح شود ولی علاء السلطنه که سفیر روس تصور می کند او به ریاست آن انتخاب خواهد شد به من اظهار می دارد که در این باب اطلاعی نداشته و آگاه نیست که آیا در خصوص تغییر و تبدیل مواد قانون اساسی هم مذاکره جدی در میان باشد. شکی نیست نوت متحدالمالی که سفارتین انگلیس و روس در ۸ شهر جاری برای شاه فرستادند اثر خود را بخشیده و به همین زودیهایک خبری در خصوص این مسئله خواهد رسید و هنوز زود است در باب اثری که مراسله مزبور در اهالی پایتخت نموده چیزی گفته شود ولی امید است که بدانواسطه در حالت روحیه ملیین بهبودی حاصل گردیده و در مسئله انتخابات اقدام خواهند کرد ولی هر گاه شاه از روی عقل عمل نموده و به نصایح دولتین در باب افتتاح پارلمان اعتنائی ننماید محتمل نیست که ملیین جرئت اقدامی دیگر مگر بستن بازارها به عنوان پروتست بنمایند فهمیدن اینکه آیا در باغ شاه در حقیقت چه می گذرد یا آنکه چه قسم اشخاص در هر دقیقه نزد شاه دارای نفوذ تام می باشند سهل نیست ولی به نظر یقین می آید که امیر بهادر

جنگ، سپهسالار اعظم و وزیر جنگ در معنی دیکتاتور ایران است و در مجلس وزراء که هرروزه در یکی از چادرهای باغ منعقد می‌شود رأی او در مذاکرات قطعی شناخته شده و او است که عقاید شخصی خود را به عرض شاه رسانیده و وانمود می‌کند که عقاید مذکور از همکاران اوست. علاءالسلطنه بهمن اظهار داشت که هر زمان بخواهد شاه را ملاقات نماید سپهسالار هم آنجا حضور خواهد داشت و در هر مسئله هر قدر هم از آن بی‌اطلاع باشد مذاکره نموده و رأی او برتری دارد. رقیب بسیار مقتدر امیر بهادر عین‌الدوله است و یحتمل بواسطه نفوذ او بود که عین‌الدوله برای مطیع ساختن رولوسیونرهای تبریز که ظاهراً کار یأس‌آمیزی بود تعیین گردید و عموم را عقیده بر این است که حتی حالا هم سعی می‌کند که فرمانفرما را بواسطه مخالفت با اقداماتی که او برای اصلاح می‌کند بی‌اعتبار سازد.

از قرار معلوم امیر بهادر دو مقصود در مد نظر دارد: اول آنکه شاه را به عدم افتتاح مجلس ترغیب نماید و ثانیاً اینکه خود را متمول سازد و برای تحصیل پول که اسماً برای اداره امور دولت بمصرف برسد به هر وسیله متمسک گشته‌اند ولی در واقع این پول برای پر کردن کیسه وزیر جنگ و رفقایش لازم است و برای انجام این مقصود شروع به هرگونه اجحافات و اعطای حکومتها و القاب و اعمال دسیسه‌های مختلف که در شرق معمول است کرده و گمان نمی‌کنم اغراق باشد اگر بگویم که از ابتدای ماه ژوئیت يك ميليون و پانصد هزار تومان یا شاید زیاده‌تر به این طریق دریافت شده است. یحتمل زیادتر از يك ثلث این وجوهات به شاه و یا آنکه به مصرف آن چیزی که اسمش را مقاصد دولتی گذارده‌اند نمی‌رسد و بقیه در میان اجزاء خلوت تقسیم می‌شود و با اینحال به شاه می‌گویند که پول بدست نمی‌آید و به اسم او اقدامات جدید می‌کنند که از هر نقطه که پیدا شود پول بدست آورند. هر دو بانکها از پرداخت مساعده به دولت به هر بهانه‌ای که باشد امتناع می‌ورزیدند [می‌ورزند].

(امضا) چارلز مارلینگ

نمره - ۲۵۵

تلگراف سر آرتر نیکسن به سرادوار دگری (واصله ۲۸ سپتامبر)

سنت پترزبورگ، ۲۸ سپتامبر ۱۹۰۸

[۵ مهر ۱۲۸۷؛ ۲ رمضان ۱۳۲۶]

مسیو چاریکف [=چریکف] به من اظهار می‌دارد که مواد نوشته حاوی اعلان رسمی شاه متضاد و مبهم با الفاظ و عبارت خوش‌ظاهر آراسته گردیده است. مثلاً دريك قسمتی از آن مذکور است که در ۱۴ نوامبر يك قانون انتخابات جدید منتشر می‌شود و در جای دیگر همان‌روز را برای افتتاح مجلس تعیین نموده‌اند.

مسیو چاریکوف اظهار داشت که کاملاً حاضر خواهد بود در هرگونه اقدامی که دولت اعلیحضرتی بخواهند برای توضیح مواد اعلان مذکور بنمایند همراهی نماید.

نمره - ۲۵۶

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصله ۳۰ سپتامبر)

طهران ، ۳۰ سپتامبر ۱۹۰۸

[۷ مهر ۱۲۸۷ ؛ ۴ رمضان ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف ۲۸ شهر جاری که سرآرترنیکلسن مخابره نموده به عقیده من تعیین موقع افتتاح مجلس و تاریخ انتخابات واجب است.
نظر به ورود سفیر اعلیحضرتی فردا من در ارائه طریق قطعی در خصوص قانون انتخابات که مسوده نمودن آن اشکال زیاد دارد تردید دارم..

نمره - ۲۵۷

تلگراف سرجارج [جرج] بارکلی به سرادواردگری (واصله ۲ آکتوبر [اکتبر])

طهران، ۲ آکتوبر ۱۹۰۸

[۹ مهر ۱۲۸۷ ؛ ۶ رمضان ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت

راجع به تلگراف ۳۰ شهر ماضی مستر مارلینگ، شاه دستخطی صادر نموده . مفهوم آن مبهم است ولی ظاهراً اشاره شده است به اینکه در مشروطیت سابق تغییرات داده خواهد شد. پارلمان روز ۱۴ نوامبر بایستی مفتوح گردد و قانون انتخابات باید روز ۲۷ شهر جاری برای اعلان حاضر باشد و نیز اشاره رفته است که مجلسین منعقد خواهند شد ولی تفصیل آن مذکور نگردیده است.
تا زمانی که انتظامات تبریز اعاده نشود انتخابات در آنجا بعمل نخواهد آمد.

نمره - ۲۵۸

تلگراف سرجارج [جرج] بارکلی به سرادواردگری (واصله ۹ آکتوبر [اکتبر])

طهران ، ۹ آکتوبر ۱۹۰۷

[۱۶ مهر ۱۲۸۷ ؛ ۱۳ رمضان ۱۳۲۶]

دیروز کفیل جنرال قنصلگری تبریز راپورت داد که فرمانفرمای آذربایجان از ورود مایحتاج زندگانی به شهر جلوگیری نموده و ابواب دخول به شهر را تماماً مسدود کرده است.

نارضایتی عامه و مصیبت اهالی بسیار است . ملیین پول ندارند و ممکن است بلاواهمه اقدامات خطرناک بنمایند . مستر استوتز [استونس] می ترسد که ازدحام به قنصلخانه ها ریخته و مزاحم اجنبیان شوند و نتایج و خیمه داشته باشد. اوضاع به جای نازکی کشیده.
مردم دستخط شاه را عموماً آلت سخریه می پندارند و تا آن اندازه که برمن معلوم

گردیده اقدام جدی برای ترتیب قانون انتخابات که در آن ذکر شده نشده است. من مجدداً وزیر امور خارجه را درباب جان و مال تبعه انگلیس متعین تبریز متنبه نمودم و امروز بعد از ظهر مسیو دوهارتویک را ملاقات خواهم نمود.

نمره - ۲۵۹

تلگراف سرادواری به سرلوتر

وزارت خارجه ، ۱۹ اکتوبر ۱۹۰۸

[۱۶ مهر ۱۲۸۷؛ ۱۳ رمضان ۱۳۲۶]

اغتشاشات تبریز

اوضاع تبریز خیلی سخت است. آیا در مراجعت جنرال قنسول به آنجا اعتراضی دارید؟

نمره - ۲۶۰

تلگراف سرجارج [جرج] بارکلی به سرادواری (واصله ۱۰ اکتوبر [اکتبر])

طهران ، ۱۰ اکتوبر ۱۹۰۸

[۱۷ مهر ۱۲۸۷؛ ۱۴ رمضان ۱۳۲۶]

اوضاع تبریز

کذیل جنرال قنسولگری دیروز راپرت داد که در ساعت یک بعد از ظهر قشون ملی در یکموقع براردوی فرمانفرما و سواره ماکوئی که پل آجی را در تصرف خود داشت حمله نمودند و تا طلوع صبح شلیک توپ و تفنگ دوام داشت. در اردوی عینالدوله بهم خوردگی زیاد واقع گردید و جنگ با سواره تا ظهر طول کشید. پس از آنکه سواره بکلی منهزم گردیده و مقامات خود را از دست دادند عساکر ملی پل آجی را در ید تصرف خود در آوردند. تلفات رویهم رفته به صدوپنجاه نفر می رسد.

نمره - ۲۶۱

تلگراف سرلوتر به سرادواری (واصله ۱۰ اکتوبر [اکتبر])

اسلامبول ، ۱۰ اکتوبر ۱۹۰۸

[۱۷ مهر ۱۲۸۷؛ ۱۴ رمضان ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف دیروز شما من تصور نمی کنم دلیلی بر عدم مراجعت مستر راتیسلا' به

تبریز باشد.

(۱) ژنرال قنسول انگلیس در تبریز - م.

نمره - ۲۶۲

تلگراف سرجارج [جرج] بارکلی به سرادواردگری (واصله ۱۱ اکتوبر [اکتبر])
 طهران ، ۱۱ اکتوبر ۱۹۰۸
 [۱۸ مهر ۱۲۸۷، ۱۵ رمضان ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت و اوضاع تبریز

مسیو دوهارت ویک و من دریاب اوضاع حالیه مذاکره نموده‌ایم و قرار داده‌ایم که مذاکره شفاهی متحدالمآلی در موقع ملاقات هفتگی روز چهارشنبه با وزیر امور خارجه بنماییم و از او استدعا کنیم که مطالب مارا به اعلیحضرت برساند. مطلب متحدالمآلی که می‌خواهیم به او عنوان نماییم ذیلا نگاشته می‌شود:

چون از دستخط اخیر تعبیرات اشتباهی شده خیلی مطلوب است که شاه نظر به منافع خویش اخطار دیگری طبع و منتشر نموده به عموم اهالی نشان دهد که بهیچوجه من‌الوجه قصداینکه هیچیک از ایالات و ولایات را از حقوقی که به آنها اعطا نموده مستثنی دارد نداشته ولی امیدوار است که آنهایکه در تحت فرمان ستارخان به جنگ مشغولند برای تسهیل استقرار حکومت مشروطه اسلحه خود را زمین خواهند گذارد.

بعلاوه، نظر به نزدیک شدن ۲۷ اکتوبر [۴ آبان؛ ۲ شوال] مفید خواهد بود که قوانین انتخابات که در دستخط مذکور گردیده بزودی زود طبع و منتشر گردد محض آنکه انتخابات در تاریخی که تعیین شده بعمل آید (۱۴ نوامبر).

و از آنجائی که بسیاری از آنهایی که تحت‌السلح هستند از جان گذشته‌اند مطلوب خواهد بود که شاه قصد خود را اعلام نماید که آنهایی که حالا جنگ می‌کنند هرگاه تسلیم شوند معاف خواهند بود.

نمره - ۲۶۳

تلگراف سرجارج [جرج] بارکلی به سرادواردگری (واصله ۱۲ اکتوبر [اکتبر])
 طهران ، ۱۲ اکتوبر ۱۹۰۸
 [۱۹ مهر ۱۲۸۷؛ ۱۶ رمضان ۱۳۲۶]

تبریز

دسته چهارصد نفری قزاق از طهران بطرف تبریز حرکت کرده چهار عراده توپ هم با خود بردند. یکی یا بیشتر از صاحبمنصبان روسی هم همراه این استعداد خواهند رفت. مسیو دوهارت ویک مرا اطلاع می‌دهد که وظیفه صاحبمنصبان روس جلوگیری از غارت خواهد بود و تا آنکه مجادلات موقوف نشود به تبریز ورود نخواهند نمود.

نمره - ۲۶۴

تلگراف سر آرتر نیکلسن به سرادوار دگری (واصله ۱۳ آکتوبر [اکتبر])

سنت پترزبورغ، ۱۳ آکتوبر ۱۹۰۸

[۲۰ مهر ۱۲۸۷؛ ۱۷ رمضان ۱۳۲۶]

تبریز

راجع به تلگراف دیروز سرجارج [جرج] بارکلی مسیو چاریکوف [=چریکوف] مرا اطلاع می‌دهد که یک هفته قبل به سفیر طهران تعلیمات داده شده است که صاحب منصبان روس تا زمان استقرار صلح و آرامی در تبریز بایستی در طهران بمانند و هیچیک از آنها نباید همراه قزاقهایی که به آنجا فرستاده می‌شود بروند. صاحب منصبان روس یحتمل منتظر خواهند بود که هنگامی که سکون و آرامی در تبریز اعاده گردد قزاقان مراجعت نمایند.

مسیو چاریکوف بعلاوه اظهار داشت که امروز تلگرافی به مضمون فوق به سفیر کبیر روس مقیم لندن مخابره نموده است.

نمره - ۲۶۵

تلگراف سرجارج [جرج] بارکلی به سرادوار دگری (واصله ۱۶ آکتوبر [اکتبر])

طهران، ۱۶ آکتوبر ۱۹۰۸

[۲۳ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۰ رمضان ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت و اوضاع تبریز

در ۱۴ شهر جاری کفیل جنرال قنسلگری اطلاع داد که مقامات عمده طرفداران شاه را حزب مخالف سوزانیده و غارت نمودند و بسیاری از دکاکین بازار را هم غارت کردند.

روز چهارشنبه من و مسیو دوهارتویک بنا بر قراری که داده بودیم مطالب متحدالمال خود را برای وزیر امور خارجه بیان نمودیم (رجوع به تلگراف ۱۱ شهر جاری من نماید) و حضرت اشرف وعده ابلاغ آن را به شاه دادند و نیز اظهار داشتند که قانون انتخابات حاضر است ولی از کیفیت آن قانون نتوانستم چیزی از او بدست بیاورم.

نمره - ۲۶۶

تلگراف سر ادوارد دگری به سر آرتر نیکلسن

وزارت خارجه، ۱۷ آکتوبر ۱۹۰۸

[۲۴ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۱ رمضان ۱۳۲۶]

اوضاع تبریز

از قرار اطلاعی که به من رسیده دو دسته پیاده نظام روس و یکصد نفر قزاق از جلغا

حرکت کرده و بسمت تبریز می آیند ، این خبر باعث تأثیر بدی در اینجا خواهد شد. آیا امکان ندارد دولت روس را راغب به عدم مداخله نمود؟

نمره - ۲۶۷

تلگراف سر آرتر نیکلسن به سرادوار گری (واصله ۱۸ آکتوبر [اکتبر])

سنت پترزبورغ، ۱۷ آکتوبر ۱۹۰۸

[۲۴ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۱ رمضان ۱۳۲۶]

امروز از مسیو چاریکوف [=چریکوف] دریافتیم که دیروز عصر در شورای کابینه تصمیم شده دو دسته پیاده نظام و هشتاد قزاق به مستحفظین قنصلخانه علاوه شود. علت این تصمیم آن است که یکی از منازل پستی روس را در عرض راه جلفا الی تبریز خراب نموده اند و مفتش روسی که در آنجا بوده برای حفظ جان خود باشکال زیاد فرار نموده و یکی از همراهان ستارخان او را نجات داده است. سبب دیگر این اقدام آن است که ستارخان امتناع می ورزد از اینکه زیاده بر این ضمانت جان روسیان مقیم تبریز را بنماید. از قرار معلوم تخریب منزل پستی کار همراهان شاه و ملیین بوده است. از قراریکه مسیو چاریکوف [=چریکوف] نقل نموده عساکر دولتی بکلی شکست خورده اند.

نمره - ۲۶۸

تلگراف سر آرتر نیکلسن به سرادوار گری (واصله ۱۸ آکتوبر [اکتبر])

سنت پترزبورغ، ۱۸ آکتوبر ۱۹۰۸

[۲۵ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۲ رمضان ۱۳۲۶]

قزاق روسی برای تبریز

راجع به تلگراف ۱۷ شهر جاری شما امروز در ضمن مذاکرات مفصل با مسیو چاریکوف [=چریکوف] او چند فقره تلگرافاتی که مابین خود و مسیو دوهارت ویک رد و بدل شده بود قرائت نمود. از قراری که جناب معظم الیه [=معظم له] توضیح نمود غارت و خرابی اموال روسی در منزل پستی کار مخالفین طرفداران سلطنت بوده و چنانچه دیروز من فهمیده بودم از طرف عساکر ملی و شاه بعمل نیامده است و او اظهاریقین نمود که جان اتباع خارجه مقیم تبریز و تأسیسات روسی آنجا از قبیل قنصلخانه و بانک و غیره در خطر بوده و فعلا امنیت صحیح در آنجا صورت وجود ندارد و بعلاوه مذکور داشت که این استعدادی که فرستاده شده کمترین عده بوده است که امکان داشته است فرستاده شود و همینکه عساکر مزبور از جلفا حرکت نمودند در هر نقطه اخطار خواهد شد که این استعدادی که به تبریز می رود به قصد آن است که در صورت لزوم از اتباع خارجه و تأسیسات آنها حفاظت نماید. مسیو چاریکوف اظهار داشت که او امر مؤکده صادر خواهد گردید برای آنکه این استعداد بهیچوجه نباید در امور داخلی ایران مداخله